

مطالعه تطبیقی الگوهای زمانی تشکیل اجتماع ملی (ملت) و عوامل مؤثر بر آن در کشورهای در حال توسعه، مبتنی بر منطق فازی

مسعود چلبی^۱

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

حسین اکبری^۲

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی

(تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۳/۲۵، تاریخ پذیرش ۱۳۹۰/۱۰/۶)

چکیده:

اجتماع ملی (ملت) به منزله اجتماع اجتماعات، در بردارنده خصوصیتی است که می‌تواند تأثیرات بسیاری بر تمامی اجزای جامعه داشته باشد. ماهیت و کم و کیف اجتماع ملی بستگی زیادی به چگونگی تشکیل و عناصر ساختاری و عاملیتی مؤثر در تشکیل آن دارد. بررسی نظریه‌های مرتبط با تشکیل اجتماع ملی، نشان دهنده اروپامحوری در ارائه نظریات است و کمتر به تفاوت‌های میان ملت‌های در حال توسعه با ملت‌های اروپای غربی توجه شده است. مطالعه حاضر با روش تطبیقی-تاریخی به بررسی الگوهای زمانی وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی و عوامل مؤثر بر آن، در میان ۱۵۰ ملت دنیا پرداخته است. مطالعه با استراتژی بین‌موردی و با استفاده از تحلیل فازی به بررسی شروط مؤثر بر تشکیل اجتماع ملی یعنی شروط عاملیتی (عاملین داخلی و عاملین بیرونی) و ساختاری (ساختار داخلی و ساختار بیرونی) می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان داد که در بررسی الگوهای زمانی تشکیل، تفاوت معنی‌داری بین مناطق مختلف جغرافیایی وجود دارد. همچنین بررسی شروط علی مؤثر بر افزایش احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی در کل ملت‌های مورد بررسی، الگو و مسیر مهمی را نشان نداد؛ بلکه با بررسی ملت‌ها به تفکیک مناطق جغرافیایی، مشخص شد که ملت‌های هر منطقه از مسیرهای کم و بیش متفاوت، با توجه به عناصر ساختاری و عاملیتی خاص خود به مرحله تشکیل اجتماع ملی رسیده‌اند. بنابراین در بررسی کشورهای در حال توسعه توجه به شرایط زمانی و مکانی خاص آن‌ها، از اهمیت زیادی برخوردار است.

کلید واژه‌ها: اجتماع ملی، تحلیل فازی، شروط عاملیتی، شروط ساختاری.

۱. آدرس الکترونیکی: m-chalabi@sbu.ac.ir

۲. آدرس الکترونیکی: h-akbari@um.ac.ir

مقدمه و طرح مسأله

اجتماع ملی به عنوان اجتماع اجتماعات، در بردارنده خصوصياتی است که می تواند تأثیرات بسیاری بر تمامی اجزای جامعه داشته باشد. به عبارتی دیگر کم و کیف اجتماع ملی می تواند بر سایر اجزاء و حوزه های جامعه، تأثیر گذار باشد. در این میان، نکته ای که نباید از آن غافل شد این است که ماهیت اجتماع ملی به میزان زیادی به روند شکل گیری آن بازمی گردد. به عبارتی دیگر، این که اجتماع ملی چگونه ایجاد شده و پس از طی چه مراحل به کیفیت کنونی رسیده است، می تواند ماهیت وجودی و تغییرات آینده آن را نشان دهد. به رغم اینکه جنس اجتماع ملی، اجتماعی است، جامعه شناسان کمتر به بررسی تجربی اجتماع ملی و روند شکل گیری آن پرداخته اند (مک کرون، ۲۰۰۷)، به گونه ای که بیشتر مطالعات در این حوزه به وسیله دانشمندان علوم سیاسی و تاریخدانان انجام گرفته است (هینگ، ۲۰۰۵: ۱۶۳). در این زمینه، وویاچیچ در مدخل جامعه شناسی در دایره المعارف ملیت گرایی چنین می نویسد:

مورخان، مردم شناسان و علمای سیاسی، هر کدام به دلایل خاص خود به بررسی سیر تکوین ایدئولوژی های ملی، فرهنگ ها و فرایندهای ملت سازی در کشورهای جدید، به شیوه هایی عمیقتر از جامعه شناسان پرداخته اند. در واقع، پیدا کردن مدخلی راجع به ملت ها و ملیت گرایی در یک فرهنگ معتبر جامعه شناسی تقریباً محال است. این حکم در مورد قومیت، نژاد یا درباره موضوع هایی چون انطباق و ادغام قومی که از محورهای اصلی مطالعات تجربی خصوصاً در جامعه شناسی آمریکا شده اند، صادق نیست (۱۳۸۸: ۳۴۲).

گردانا اوزلاک^۱ اشاره می کند که یکی از اندک نقاط توافق در میان نظریه پردازان ملت و ملیت گرایی این است که ملت، یک پدیده اجتماعی است. از این رو نظریه اجتماعی باید قادر به ارائه نقطه شروعی برای مطالعه ملت باشد. هر چند در حالی که نظریه های اجتماعی اخیر، حداقل از اصطلاح شناسی مشابه استفاده می کنند، یا دارای برخی مفروضات معرفت شناختی اساسی یا رهیافت های روش شناختی مشترک هستند، رهیافت میان رشته ای مطالعه ملت و ملیت گرایی دارای دامنه وسیعی از عدم توافقات و ادراکات نادرست در میان نظریه پردازان آن است (۲۰۰۲: ۱۳۸).

1. Gordana Uzelac.

علاوه بر موارد یاد شده، اجتماع ملی به منزله پدیده‌ای چندوجهی، هم تابع علل گوناگونی است و هم کم و کیف آن، پیامدهای خاصی را برای دیگر پدیده‌های جامعه و اعضای آن در بر خواهد داشت. این مسأله هنگامی نمود بیشتری می‌یابد که اجتماع ملی به منزله پدیده‌ای پویا نگریده شود، که در طی زمان تغییرات شکلی و ماهوی خاصی را تجربه کرده است و می‌کند. از طرف دیگر، بررسی ماهیت اجتماع ملی در ملت‌های مختلف نشان می‌دهد که ملت‌ها از وضعیت ملت‌مندی یکسانی برخوردار نیستند. این وضعیت به ویژه در خصوص کشورهای در حال توسعه صادق است. از این رو، مقاله حاضر با درک اهمیت توجه به بررسی اجتماع ملی (ملت) به بررسی الگوهای زمانی و عوامل مؤثر بر تشکیل اجتماع ملی خواهد پرداخت، تا بر اساس آن تفاوت‌ها در الگوهای زمانی تشکیل و عوامل مؤثر بر آن بین ملت‌های مختلف، مشخص گردد. از این رو، مطالعه به دنبال پاسخ به سوال‌های اساسی زیر است:

الگوهای زمانی تشکیل اجتماع ملی در ملت‌های مختلف چگونه است؟ چه عواملی بر افزایش احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی مؤثرند؟ و آیا تفاوت معنی‌داری بین الگوهای زمانی و عوامل مؤثر در میان ملت‌های در حال توسعه با ملت‌های توسعه یافته وجود دارد؟

اجتماع ملی؛ مفاهیم و دیدگاه‌ها

مفهوم اجتماع ملی در ادبیات عمدتاً با مفهوم ملت تشریح شده است. مفهوم ملت همانند بسیاری از مفاهیم حوزه علوم اجتماعی، دارای تعاریف متعددی است؛ تا جایی که متفکران این حوزه بر روی تعریف واحدی توافق ندارند؛ همچنان که استون واتسون^۱ ادعا می‌کند «نائل شدن به یک تعریف دقیق علمی از "ملت" غیرممکن است». او معتقد است «یک ملت هنگامی موجودیت می‌یابد که تعداد قابل توجهی از مردم در اجتماعی خودشان را در شکل یک ملت ملاحظه نمایند» (تامیر، ۱۹۹۳: ۶۵)؛ کیتنر^۲ نیز معتقد است که مباحث درباره معیارهای ملت هرگز پایانی ندارد (کیتنر، ۲۰۰۷: ۶)، با این حال مک کرون اشاره

1. Seton-Watson.
2. Keitner.

می‌کند که سوال «ملت چیست؟»، جایگاه ویژه‌ای در مطالعات ملیت‌گرایی دارد (مک کرون، ۱۹۹۸: ۴). جیمز^۱ ملت را «یک اجتماع انتزاعی از بیگانگان - مردمی که هرگز یکدیگر را ملاقات نکرده‌اند - اما در جایگاه یک اجتماع متمایز، ارتباط بنیادینی را در زمان، مکان و یا تخیل تجربه کرده‌اند» تعریف می‌کند (جمیز، ۲۰۰۶: ۳۲۲). مک کرون در کتاب جامعه‌شناسی ملیت‌گرایی بر آن است که «ملت» شبیه «طبقه اجتماعی» مقید به عمل اجتماعی^۲ است؛ همچنان که روگرز بروباکر^۳ نیز «ملت را یک مقوله از عمل^۴ و نه یک مقوله تحلیلی» می‌داند. به عقیده او:

برای درک ملت، ما مجبور به درک استفاده‌های عملی از مقوله ملت هستیم، روش‌هایی که می‌تواند در درک ساختار، در شکل دادن تفکر و تجربه، در سازمان دادن بحث و کنش سیاسی استفاده شود (مک کرون، ۱۹۹۸: ۳).

بنابراین، نظریه پردازان مختلف به شیوه‌های مختلف واژه ملت را مفهوم سازی و تعریف کرده‌اند. داوا معتقد است که ما می‌توانیم تغییرات مفهوم ملت را در طول ۴۰۰ سال گذشته مشاهده کنیم که دو معنای ممکن را پیشنهاد می‌کند: نخست؛ ملت مترادف با قدرت و حاکمیت که در طبقه حاکم قرار دارد. دومین؛ ملت به منزله تراکمی از افراد یکی شده به وسیله ارتباطات اجتماعی و نظام ارزشی مشترک. به عقیده او با ظهور حاکمیت عامه، معنای نخست اعتبار نظری‌اش را از دست داد و اکنون ملت برابر با مردم و جماعت جامعه‌ای^۵ در نظر گرفته می‌شود (داوا، ۱۹۹۲: ۲۹). بنابراین، بررسی تعاریف مختلف از اجتماع ملی (ملت) نشان می‌دهد که وجه مشترک تعاریف ارائه شده، معنای دومی است که داوا اشاره می‌کند. به عقیده اسمیت:

«ملت یک اجتماع انسانی خود تعریف و دارای نام است که اعضایش با خاطرات، نمادها، اسطوره‌ها، سنت‌ها و ارزش‌های مشترک پرورش یافته و در یک سرزمین تاریخی یا میهن ساکن بوده و به آن دلبستگی دارند، یک فرهنگ عمومی متمایز را ایجاد و منتشر کرده‌اند و سنت‌های مشترک و قوانین استاندارد شده‌ای را رعایت می‌کنند» (اسمیت، ۲۰۰۹: ۲۹).

1. James.
2. Social Praxis.
3. Rogers Brubaker.
4. Practice.
5. societal collectivity.

چلبی نیز با تعیین عناصر سازنده اجتماع ملی، آن را چنین تعریف می‌کند:
«اجتماعی از افراد است که دارای منشأ مشترک (واقعی یا تصویری)، سرنوشت و رموز فرهنگی مشترک و احساس مشترک می‌باشند و دارای انحصار نسبی منابع ارزشمند هستند و در ارتباط با سایر جوامع، با استعانت از رموز فرهنگی مشترک در بستر تعاملات درون گروهی و بین گروهی، با کسب هویت جمعی دارای مای جمعی می‌شوند.» (چلبی، ۱۳۸۰)
در مطالعه حاضر تعریف چلبی مبنای تحقیق می‌باشد.

نظریه‌های تشکیل اجتماع ملی

بررسی ادبیات مربوط به تشکیل اجتماعات ملی نشان می‌دهد که مفاهیم عمده به کار رفته در این زمینه، یعنی "شکل‌گیری ملت" و "ملت‌سازی"، به طرق مختلف به کار رفته‌اند. مباحث مربوط به ملت در زمینه وسیعی درباره سرچشمه‌ها و خصوصیات خود ملت قرار دارد. این بحث گاهی «منشأ‌گرایی»^۱ در مقابل «مدرنیست» و گاهی «جوهر‌گرایی»^۲ در مقابل «ابزار‌گرایی»^۳ نامیده شده‌است (مک کرون ۱۹۹۸: ۱۰). بررسی‌ها نشان می‌دهد واژه ملت‌سازی^۴ کاربرد بیشتری داشته، تا جایی که در آثار بیشتر نویسندگان این حوزه به کار رفته است. بررسی نظریات این نویسندگان نشان می‌دهد آن‌ها بیشتر تحت تأثیر دیدگاه مدرنیستی تشکیل ملت بوده‌اند. واژه "شکل‌گیری ملت"^۵ در آثار نویسندگانی دیده می‌شود که بیشتر تحت تأثیر دیدگاه‌های فرهنگی بوده، منشأیی تاریخی و طولانی مدت برای ملت‌ها قائل هستند.

با بررسی مآخذ مربوط به تشکیل اجتماع ملی (ملت) چهار رهیافت کلی را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد و نظریه‌پردازان را در این چهار رهیافت دسته‌بندی کرد. این رهیافت‌ها عبارتند از رهیافت جاویدانگاری، رهیافت ازلی انگاری، رهیافت مدرنیستی و رهیافت قومی‌نمادگرا. البته این دسته‌بندی قطعی نیست و اختلافاتی نیز در مورد قرار گرفتن نظریه‌پردازان مختلف در هر رهیافت وجود دارد.

1. Primordialist.
2. Essentialist.
3. Instrumentalist.
4. Nation Building.
5. Nation Formation.

بر اساس رهیافت جاویدانگاری ملت‌ها از زمان‌های بسیار قدیم وجود داشته‌اند. اصطلاح مزبور از صفت جاوید مشتق شده است که به معنای چیزی است که در طول سال یا سالیان تداوم دارد و دارای رشد مداوم و بقا است. از این رو جاویدانگار به معنی کسی است که ملت‌ها را پدیده‌هایی تاریخی می‌داند؛ پدیده‌هایی که در طول قرون به وجود آمده‌اند و خصوصیات ذاتی آن‌ها عمدتاً تغییری نکرده است. یکی از آرای اساسی جاویدانگاری این است که ملت‌های جدید اخلاف مستقیم هم‌تایان قرون وسطایی خود هستند. جاویدانگاران معتقدند که ملت‌ها ممکن است ادواری از انحطاط یا فترت را در جریان سیر تاریخی خود شاهد باشند، اما بداقبالی نمی‌تواند جوهر ملی را تخریب کند. کل آنچه برای برافروختن مجدد شعله‌های ملی‌گرایی لازم است، بیدار کردن دوباره ملت‌ها است (اوز کریمی، ۱۳۸۳: ۹۰). از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان این دیدگاه یعنی والکر کانر و هاگ استون - واتسون اشاره کرد. جنبه ازلی‌انگاری نظریه کانر از ملت در پیوند ملت به پیوندهای خویشاوندی و قومیت است (پوری، ۲۰۰۴: ۱۸۶، هیرن، ۲۰۰۶: ۲۸، گانز، ۲۰۰۳: ۱۰، داوا، ۱۹۹۲: ۲۰۴، لیچنبرگ، ۱۹۹۹: ۱۸۵، کانورسی، ۲۰۰۷: ۲۴، بیرچ، ۱۹۸۹: ۴۸). کانر در پاسخ به سؤال ملت چیست^۱ معتقد است:

«ملت گروهی از مردم است که احساس می‌کنند بطور نسبی با یکدیگر مرتبط هستند. ملت بزرگترین گروهی است که می‌تواند وفاداری فردی را به دلیل احساس پیوندهای خویشاوندی جلب نماید (کانر ۱۹۹۴ به نقل از هیرن، ۲۰۰۶: ۲۸، کانورسی، ۲۰۰۷: ۲۴، لیچنبرگ، ۱۹۹۹: ۱۸۵).

بنابراین، برای کانر، ذات یک ملت پیوندی روان‌شناختی است که مردم را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آن‌ها را از سایر افراد متمایز می‌سازد (بارکر، ۲۰۰۸: ۳۰).

ازلی‌انگاران اغلب منشأهای ملت را در سپیده دم تاریخ قرار می‌دهند (تیریاکیان ۲۰۰۷: ۵۵). دیدگاه ازلی‌انگاری را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته نخست، «رویکرد زیست‌شناسی اجتماعی» است که مهمترین متفکر آن پیتر ون‌دن‌برگ است و دسته دوم، رویکرد «فرهنگ‌محور» که برجسته‌ترین نظریه‌پردازان آن گیلفورد گیرتز، ادوارد شیلز و استون گروسی هستند.

1. what is a nation?

وندن برگ معتقد است که ملت‌ها، شکل گسترش یافته‌ای از گروه‌های خویشاوندی^۱ هستند. برای او نوسازی ملت‌ها موضوعی از ساختارهای اساسی تکمیلی «تناسب فراگیر» با اشکال سیاسی است. همان‌گونه که او اشاره می‌کند، «هر مفهومی از ملت» امتدادی از گزینش خویشان است و بنابراین ملت‌ها باید بعنوان گروه‌های دودمانی، همانند گروه‌های قومی مورد بررسی قرار گیرند (اسمیت، ۱۹۹۸: ۱۴۷).

از سوی دیگر گیرتز در نظریه‌های خود بر پیوندهای ازلی در شکل‌دهی هویت‌های جمعی و ملت تأکید می‌کند. به عقیده او ملت‌ها از شکاف‌های ایجاد شده به وسیله بدیهیات فرهنگی بوجود آمده‌اند (اسمیت، ۲۰۰۹: ۹). ملت به عنوان یک اجتماع بزرگ از دیدگاه شیلز نیز پدیده‌ای طبیعی و عام است و از بسط روابط خویشاوندی و پیوندهای ازلی نشأت گرفته است. اهمیت تاریخی آن‌ها ممکن است کم یا زیاد شود، ولی آن‌ها همیشه وجود دارند. به عقیده شیلز ملت‌ها کشف می‌شود، بیشتر از آنکه به طور تاریخی ساخته شوند (آنتیاس و همکاران، ۱۹۹۳: ۱۲۸) در حقیقت، شیلز معتقد است که بندرت هویت‌ها خلق می‌شوند (سنگوپتا، ۲۰۰۳: ۴۵)؛ بلکه به عقیده او ملت‌ها ریشه در پیوندهای ازلی دارند که در یک اجتماع طی دوره‌های مختلف شکل گرفته در دوره خاصی به منصف ظهور می‌رسد. بنابراین شیلز معتقد است «ملت‌ها به کرات در تاریخ جهان اتفاق می‌افتند» (شیلز ۱۹۵۷، ۱۰۹ به نقل از ایچیجو و اوزلاک، ۲۰۰۵: ۵۳-۵۲).

نظریه پردازان مدرنیستی در بررسی تشکیل اجتماعات ملی، رهیافت غالب دیگری مطرح می‌کنند و عقیده دارند که ملت ابداعی اروپایی است که در نتیجه روندهای مدرنیزاسیون و تمرکزگرایی دولتی در طول قرون هفدهم و هجدهم ایجاد شده است. آن‌ها معتقدند که ظهور ملیت‌گرایی ضرورتاً کارکردی بوده است، زیرا جوامع سرمایه‌داری صنعتی تنها در زمینه‌ای از تجانس فرهنگی می‌توانستند مستقر شوند. به عبارت دیگر، مدرنیزاسیون برای یکپارچگی سیاسی، نهادی، اقتصادی و فرهنگی، نیازمند ساخت ملت و دولت است (لکورس، ۲۰۰۷: ۶). بر اساس این رهیافت، مدرنیزاسیون تغییراتی در ساختار اجتماعی (طبقات جدید)، آرایش بخشی و فضایی تولید (حرکت سرمایه و نیروی کار از

1. Kin groups.

کشاورزی به صنعت و خدمات، از نواحی روستایی به شهری، از اقتصادهای سنتی به جدید) و تحصیلات فزاینده در پی داشت که خود این تغییرات به نوبه خود موجب ائتلاف نخبگان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حول شکل‌گیری دولت و راهکارهای ملت‌سازی و نیز بسیج فزاینده بخش‌های وسیعی از جمعیت حول نمادهای ملی شد (سجرستد، ۲۰۰۳: ۱۴۶).

اسمیت در بررسی انواع اصلی رهیافت مدرنیسم، آن‌ها را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱) نسخه اجتماعی- فرهنگی که با دیدگاه‌های ارنست گلنر مرتبط است که در آن انطباق ملت‌ها و ملیت‌گرایی نیازمند ایجاد یک فرهنگ والا^۱ برای مدرنیزاسیون و توسعه صنعتی است [نظریه اجتماع تصویری بندیک اندرسون نیز می‌تواند در این دسته قرار گیرد]. قضیه محوری نظریه گلنر این است که این ملیت‌گرایی است که ملت‌ها را به وجود می‌آورد و نه برعکس (اسمیت، ۲۰۰۸: ۳، کالهن، ۲۰۰۷: ۵۸، آثر، ۲۰۰۴: ۲).

«ملی‌گرایی بیداری و خودآگاهی ملت‌ها نیست. ملی‌گرایی ملت‌ها را در جاهایی که

وجود ندارند، ابداع می‌کند» (گلنر، ۱۹۶۴ به نقل از هاتچینسون و اسمیت، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

بنابراین، به نظر گلنر شکل‌گیری ملت زائیده شکل‌گیری ملیت‌گرایی است. از این رو، او در نظریه خود به شرایط شکل‌گیری و ظهور ملیت‌گرایی می‌پردازد. برای گلنر ملت واحدی سیاسی است که به وسیله صنعتی شدن ایجاد شده است و با ایده ملت در جایگاه هدایت‌کننده^۲ اصلی آگاهی ملی همراه است (پراون، ۲۰۰۰: ۱۷۲). بر این اساس، می‌توان گفت که ملت‌ها به وسیله دولت متمرکز مدرن از طریق تحمیل یک «فرهنگ والا^۳» به وجود آمده‌اند (لکورس، ۲۰۰۷: ۱۲).

۲) مدل‌های اجتماعی- اقتصادی تام نیرن و مایکل هکتر که در آن ملیت‌گرایی از عملکرد عقلانی اقتصاد جهانی و منافع اجتماعی اقتصادی افراد منتج می‌شود. ملت‌ها برای نیرن تنها آثار جانبی مدرنیزاسیون نیستند، بلکه اشکال جدید مهمی از عاملیت تاریخی هستند (هیرن، ۲۰۰۶: ۹۹). برای نیرن ملت و ملیت‌گرایی ذاتاً موضوعاتی فرهنگی-زبانی، دینی، نمادین- هستند، اما نمی‌توانند جدا از موضوعات توسعه مادی و اقتصادی باشند (مک کرون، ۱۹۹۸: ۶). بنابراین، به عقیده او سرچشمه‌های ملیت‌گرایی در سازمان اقتصاد

1. high culture.

2. Manager.

3. high culture.

سیاسی جهان قرار دارد (فروست، ۲۰۰۶: ۲۰، بیرپچ، ۱۹۸۹: ۶۸). به عقیده هکتر هرگاه در نظام دو قطبی هسته / پیرامون، تفاوت‌های عینی با نابرابری‌های اقتصادی تلفیق شدند و به تقسیم فرهنگی کار بینجامند؛ و همزمان میزان مناسبی از ارتباطات در داخل گروه به وجود آید، در کنار سایر عوامل، امکان و شانس جذب و ادغام سیاسی گروه پیرامونی در اجتماع ملی به حداقل می‌رسد. از این رو اعضای گروه محروم ممکن است کم‌کم این گونه ادعا کنند که فرهنگشان برابر با گروه بهره‌مند یا برتر از آن است و مدعی جدایی ملت‌شان شوند و در پی استقلال برآیند (اوز کریملی، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

۳) نسخه‌های سیاسی تر نظریه‌پردازانی شبیه چارلز تیلی، آنتونی گیدنز، میشل مان، جان برولی که رابطه ملت را با قدرت به ویژه جنگ، نخبگان و دولت مدرن بررسی می‌کردند. هابزباوم (۱۹۹۰) استدلال می‌کند که ملت‌ها به دوره‌ای خاص و به لحاظ تاریخی، متأخر تعلق دارند. سخن گفتن از ملت‌ها پیش از ظهور دولت سرزمینی مدرن، هیچ معنایی ندارد. این دو ربط وثیقی با هم دارند (اوز کریملی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). او ادعا می‌کند که به طور مفهومی و تاریخی، این ملیت‌گرایی است که ملت‌ها را می‌سازد... ملیت‌گرایی محرک ساخت یک ملت - دولت است (اسمیت، ۱۹۹۸: ۱۲۱). او با طرح این بحث که ملیت‌گرایی یک برنامه سیاسی است که با هدف خلق ملت - دولت ایجاد شده است، به نقش دولت در شکل‌گیری ملیت‌گرایی و ساخت ملت می‌پردازد. به عقیده او «دولت است که ملت را می‌سازد نه ملت، دولت را» (۱۹۹۰: ۴۴-۴۵).

برولی نیز همانند بسیاری از نظریه‌پردازان مدرنیست معتقد است که ملت پدیده‌ای مدرن است و حاصل شکل‌گیری ملیت‌گرایی است. برولی در تبیین ملیت‌گرایی به نقش سیاست‌ها، قدرت و دولت می‌پردازد (کانورسی، ۲۰۰۷: ۲۷، هیرن، ۲۰۰۶: ۹، ایچینجو و اوزلاک، ۲۰۰۵: ۱۰، هکتر، ۲۰۰۴: ۶، برولی، ۱۹۹۵: ۱۳۷). برای برولی ملیت‌گرایی بیش از همه، یک عقیده سیاسی^۱ با ذهنیت کسب کنترل قدرت است و ملت‌ها چیزی بیش از نتیجه ملاحظیات قدرت نیستند (جیمز، ۲۰۰۶: ۲۲۳). برای او فرهنگ‌ها و قومیت‌ها به‌طور سیاسی دارای اهمیت هستند (بای کروفوت و هویتسون، ۲۰۰۶: ۵). هسته بحث تیلی این است که شکل‌گیری ملت و ملیت‌گرایی حاصل شکل‌گیری و توسعه دولت‌هاست. در این

1. political doctrine.

دیدگاه، ملت به عنوان یک اجتماع سیاسی ساخته می‌شود و دولت نقش محوری در پرورش آگاهی‌های ملی و مدیریت تنش‌های بین اصول برابری و واقعیت تفاوت‌ها در میان شهروندان ایفا می‌کند (پوری، ۲۰۰۴: ۳۲ و ۵۳).

۴) نسخه ایدئولوژیکی الی کدوری که تمایل دارد ملت‌گرایی را به عنوان یک نظام اعتقادی، شکلی از جانشینی مذهبی یا مذهب سکولار و انطباق ظهور و قدرت آن با تغییرات در حوزه ایده‌ها و اعتقادات را نشان می‌دهد (اسمیت، ۱۹۹۸: ۵). نظریه کدوری درباره منشأهای ملت‌گرایی کاملاً ویژه است. برای او ملت‌گرایی در جایگاه دکترینی بود که در اروپای اوایل قرن نوزدهم ساخته شد. کدوری براساس این برداشت از ملت‌گرایی، منشأ ملت‌گرایی را در تغییرات سیاسی و اقتصادی نمی‌داند؛ بلکه بیشتر سرچشمه ملت‌گرایی را در انقلاب ایده‌ها که در پایان قرن هجدهم و آغاز قرن نوزدهم آن را مشخص کرده و به عنوان روشنفکری^۱ و رومانتیسم آلمانی^۲ شناخته می‌شود، پیگیری می‌کند (ایچیگو و اوزلاک، ۲۰۰۵: ۱۱).

رهیافت قومی نمادگرا، راه میانه بین ازلی‌انگاری و مدرنیسم محسوب می‌شود. کانورسی، رهیافت قومی نمادگرا را رویکردی تعریف می‌کند که اصل مدرنیستی امکان ابداع ملت را رد می‌کند و مدعی است که ملت‌ها بر ساختار از قبل موجود اساطیر، خاطرات، ارزش‌ها و نمادها استوارند و بر این اساس، تلاش می‌کنند از قطب‌بندی ابزارگرایی و ازلی‌انگاری هویت قومی فراتر بروند. قومی نمادگرایان در قیاس با دو دسته ازلی‌انگاران، هویت قومی و مدرنیست‌ها، متجانس‌ترند. اینان در پرتو احترام مشترک به گذشته، در تبیین‌های‌شان از پدیده‌های ملی، بر فرایندهای مشابهی تأکید دارند. به نظر آنان، شکل‌گیری ملت‌ها را باید در بلند مدت، یعنی بعد زمانی چند قرنی بررسی کرد (اوزکریملی، ۱۳۸۳: ۲۰۳). رهیافت قومی نمادگرا تأکید زیادی بر نقش تجارب و حافظه‌های تاریخی مشترک در شکل‌گیری ملت‌ها دارند. اسمیت (۱۹۹۶) معتقد است که چنین حافظه‌هایی ملت را به عنوان یک اجتماعی واحد با یک وظیفه جمعی و سرنوشت ملی می‌سازند (جابلیش ۲۰۰۷: ۱۷۰). میروسلاو هروچ (۱۹۹۶) ادعا کرده که ملت‌ها از حافظه‌های گذشته مشترک ترکیب یافته‌اند؛ از تراکمی از پیوندهای زبانی و فرهنگی و مفهومی از برابری همه اعضای گروه (زیولاو

1. Enlightenment.
2. German Romanticism.

۲۰۰۷: ۱۴۱). الجنیوس اشاره می‌کند که نمادها و شعائر ملی برای ما شواهد قدرتمندی از تداوم ملت و ملت‌مندی فراهم می‌آورند (۲۰۰۷: ۶۸).

از نظریه پردازان رهیافت قومی‌نمادگرا می‌توان به آنتونی اسمیت، جان آرمسترانگ و آدریان هاستینگز اشاره کرد. آنتونی اسمیت برجسته‌ترین متفکر رهیافت فرهنگی محسوب می‌شود. «اسمیت مجموعه‌ای از اسطوره‌ها، نمادها و اعمال فرهنگی را که او "Ethnie" نامیده به منزله کلیدی در ساختن ملت مدرن مشخص کرده است. ملت یک اجتماع قومی - فرهنگی است که به وسیله اسطوره پیدایش مشترک و یک حس تاریخی و روش زندگی مشترک شکل یافته است (مک کرون ۱۹۹۸: ۱۲). برای آرمسترانگ هویت گروهی که «ملت» نامیده شده، به سادگی هم‌ارز مدرن هویت قومی پیشامدرن است (اسمیت، ۱۹۹۸: ۱۶۸).

آرمسترانگ با پذیرش یک رهیافت پدیدارشناسانه، هویت‌های قومی را به منزله مجموعه‌ای از نگرش‌ها و ادراکات در حال تغییر می‌بیند (اسمیت، ۲۰۰۹: ۱۲۷)؛ بیشتر از یک عنصر هسته‌ای سازمان اجتماعی (کامار، ۲۰۰۳: ۶۱). او معتقد است که تداوم بیشتری در هسته قومی ملت‌ها وجود دارد (کالهن، ۲۰۰۷: ۴۶). او هر چند بر تداوم هویت‌های ملی و قومی در طول زمان تأکید می‌کند، اما همچنین معتقد به ماهیت در حال تغییر آن‌ها هم است. به عقیده او قومیت‌ها و ملت پدیده‌های عودکننده^۱ هستند. اشکالی از سازمان اجتماعی و اجتماع فرهنگی که ممکن است در هر دوره‌ای و در هر قاره‌ای پیدا شوند و به طور ثابتی در حال ظهور، ترقی، جذب و محو شدن هستند (اسمیت، ۲۰۰۵: ۱۰۰).

جمع‌بندی مباحث نظری و ارائه مدل تحلیلی

در بخش قبل به بررسی نظریه‌های عام شکل‌گیری ملت از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف پرداخته شد. هر چند که برخی از نظریه‌پردازان این نظریه‌ها ادعا کرده‌اند که نظریاتشان جها شمول و در برگیرنده روندهای کلی در تمام نقاط دنیاست، ولی باید اذعان کرد که زمینه بستر شکل‌گیری این نظریه‌ها کشورهای اروپایی بوده است. در حقیقت، مباحث نظری و تاریخ نگارانه درباره ملت به شدت روی نمونه‌های اروپایی و پروژه‌های سیاسی اروپایی متکی است (کالهن، ۲۰۰۶: ۱۸). اسمیت نیز اشاره می‌کند که "ما در اکثر مطالعات ملت و

1. Recurrence.

ملیت‌گرایی هنوز از اروپامحوری رها نشده‌ایم". او اضافه می‌کند که "تمایل بارزی به قضاوت و تبیین ملیت‌گرایی‌های غیر غربی با اشاره به معیارهای غربی وجود دارد" (به نقل از داوا، ۱۹۹۲: ۶). ایده ملت و ملیت‌گرایی و نظریه‌های آن عمدتاً در خصوص زمینه‌ای که دولت‌های اروپایی بزرگ به تعادل در قدرت رسیده‌اند، شکل یافته‌است (کالهن، ۲۰۰۶: ۲۰). هر چند که داوا (۱۹۹۲) اشاره می‌کند که کارهای متعددی در مورد ملیت‌گرایی‌هایی «ویژه کشوری»^۱ وجود دارد که به وسیله‌ی برخی از محققان در مورد جهان سوم انجام شده‌است، ولی کتاب واحدی که ملت و ملیت‌گرایی غیر غربی را در جایگاه نوعی متفاوت با ملت و ملیت‌گرایی غربی مفهوم‌سازی نماید، وجود ندارد. در عوض، پارادایم اروپایی اغلب به طور غیر انتقادی به عنوان ابزار استاندارد برای مطالعه ملیت‌گرایی جهان سوم استفاده شده است (۱۹۹۲: ۵). این امر در بسیاری از موارد نه تنها کمکی به تبیین شکل‌گیری ملت در کشورهای در حال توسعه نکرده است، بلکه به ابهام و سردرگمی بیشتر انجامیده است (کالهن، ۲۰۰۶: ۱۸).

هر چند که این امر به این معنا نیست که هیچ شباهتی بین کشورهای غربی و غیر غربی وجود ندارد، بلکه همه جوامع دارای خصوصیات مشترکی نیز هستند. پرزورسکی و تیون^۲ اشاره می‌کنند که کشورهای غربی و غیر غربی را می‌توان براساس خصوصیات مشترکشان مقایسه نمود (سانگم پام، ۲۰۰۷: ۲۴). با این حال، تفاوت‌های زیادی نیز بین این دو مجموعه از ملت‌ها وجود دارد. داوا معتقد است که روند شکل‌گیری ملت در کشورهای در حال توسعه، به علت برجستگی فرهنگ در شکل‌گیری هویت ملی، با ملت‌های غربی متفاوت است (۱۹۹۲: ۵). بر خلاف وجود تفاوت‌هایی که میان تشکیل ملت در کشورهای در حال توسعه با کشورهای غربی وجود دارد، با این حال، مآخذ موجود در خصوص ملت و ملیت‌گرایی در جهان غیر غربی دارای کمبودهای نظری و روش‌شناختی است (داوا، ۱۹۹۲: ۶). در حقیقت، مطالعه ملت‌سازی مدرن نخست به‌طور عمیق به وسیله مورخین اروپای غربی مورد مطالعه قرار گرفت (گانگو، ۲۰۰۵: ۲۵۷). از سوی دیگر، اکثر محققان کشورهای در حال توسعه مانند امین، چاندرا، سیتول، هو و بقیه، تمایل دارند که ملیت‌گرایی را به‌طور ایدئولوژیکی، واکنشی طبیعی در مقابل امپریالیسم یا استعمارگری غربی قلمداد کنند. در

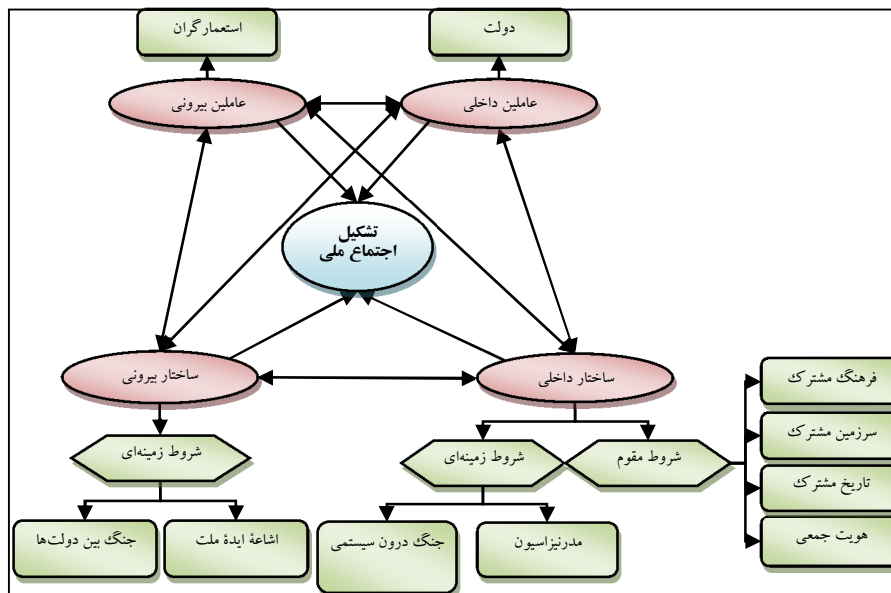
1. Country-specific.
2. Preworski and Teune.

حالی که هر دو دیدگاه به شدت ساده‌انگارانه است. پدیده اجتماعی شکل‌گیری ملت بسیار پیچیده‌تر و عمیق‌تر از آن چیزی است که به این سادگی تصور شود (داوا، ۱۹۹۲: ۶). همچنین، نظریه تقلید^۱ ملیت‌گرایی غیرغربی که برخی از محققان غربی طرفدار آنند؛ و نیز دیدگاهی که شکل‌گیری اجتماع ملی را موضوعی وارداتی^۲ یا کاربرد هنجارها و مدل‌های غربی برای واقعیت‌های پس از استعمار می‌داند (هیو، ۲۰۰۵: ۴۲)، دارای چنین وضعیتی است. هر چند مقدار معینی از روند یادگیری در روند شکل‌گیری ملت‌های غیرغربی سهمیم است، اما محدودیت‌های جدی برای تقلید وجود دارد؛ مگر اینکه شرایط عینی مساعدی وجود داشته باشد (در این زمینه رک: داوا، ۱۹۹۲: ۶). به عقیده داوا، در زمینه چنین شرایطی، ساختار ملت و ملیت‌گرایی در کشورهای در حال توسعه از دو عامل قدرتمند به طور برابر ترکیب شده است: داده‌های سنتی شامل قومیت، زبان، ادبیات، سنت، سرزمین، از یک سو و ایدئولوژی برابرگرایانه و داده‌های مدرن شامل آزادی، برابری و برادری از سوی دیگر. برجستگی داده‌های سنتی مشخصه کشورهای در حال توسعه و برجستگی داده‌های مدرن، مشخصه ملیت‌گرایی غربی است. هر چند در عمل، ذات هر ملت معاصر در کشورهای در حال توسعه ترکیبی از عوامل مدرن و سنتی است که نوعاً در این جایگاه‌ها آشکار می‌شود: الف) آگاهی جامعه درباره هویت ملی که پویایی‌های لازم وحدت ملی را فراهم می‌آورد، ب) یک نظام ارزشی جامع برای هدایت و تحریک کنش‌های سیاسی، ج) جنبش‌های پان‌قومی^۳ در ایجاد قدرت اجتماعی که در کسب وحدت و استقلال ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد و د) یک سیاست خارجی که روی مفهوم منافع ملی متمرکز است. (داوا، ۱۹۹۳: ۱-۲).

بنابراین، هر چند نظریه‌های عام تشکیل ملت می‌توانند نکات سودمندی در خصوص روند تشکیل ملت به ما نشان دهند، ولی با توجه به تفاوت‌های ماهوی بین جوامع غربی توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه لزوم توجه به الگوهای خاص این ملت‌ها کاملاً احساس می‌شود. از سوی دیگر، فاصله از آنجا که اجتماع ملی در جایگاه پدیده‌ای اجتماعی (اوزلاک، ۲۰۰: ۱۳۸) برابندی از رابطه عاملیت‌های فردی/جمعی و ساختار اجتماعی است؛ تعیین قدرت تأثیرگذاری

1. Imitation theory.
2. Importing.
3. Pan-ethnic.

هر کدام از این ابعاد مؤثر اهمیت فراوان دارد. بررسی نظریه‌های مختلف ارائه شده در خصوص تشکیل ملت، نشان می‌دهد که نظریه‌پردازان مختلف توجهات متفاوتی به نقش عاملیت و ساختار در تشکیل اجتماع ملی داشته‌اند. عده‌ای نقش اصلی را بر ساختارهای اجتماعی و عده‌ای دیگر نقش بیشتر را به عاملیت‌های اجتماعی (فردی یا جمعی) داده‌اند. گروه سوم نیز دیدگاهی ترکیبی دارند و در نظریه آن‌ها می‌توان به نوعی رابطه عاملیت و ساختار را در تشکیل اجتماع ملی دید. بر این اساس، با توجه به عناصر نظری ارائه شده و ویژگی‌های خاص ملت‌های در حال توسعه، مدل شماره ۱ بعنوان مدل تحلیل مطالعه حاضر، با اقتباس از مدل خودمختاری ملی چلبی (۱۳۷۵: ۳۱۲) ارائه می‌شود.



نمودار شماره ۱. مدل تحلیلی تحقیق

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تطبیقی تاریخی است. در یک سطح کلی، محققان تطبیقی علاقه‌مند تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها را در میان واحدهای اجتماعی کلان تعیین نمایند (راگین، ۱۳۸۷: ۶). در این روش، تفسیر رخدادها و نتایج مهم، یکی از

خصوصیات تعریفی علوم اجتماعی تطبیقی است (همان : ۱۶). همچنین در مطالعه حاضر، از داده‌های تاریخی در دسترس برای تحلیل علمی استفاده می‌شود.

استراتژی تحلیل علمی: تحلیل گران تطبیقی، از دامنه وسیعی از استراتژی‌های ارزیابی علمی در تحقیقاتشان استفاده می‌کنند. این استراتژی‌ها هم شامل روش‌های بررسی بین موارد و هم روش‌هایی برای بررسی روندهای تحلیلی در درون موارد منفرد است (ماهونی، ۲۰۰۳: ۳۳۷). همچنین از روش‌های مختلف تحلیلی سود می‌برند. بعضی از این روش‌ها شامل تکنیک‌هایی برای تحلیل علل لازم و کافی است؛ در حالی که برخی دیگر شیوه‌هایی برای ارزیابی فرضیه‌ها از طریق تحلیل درون‌موردی است (ماهونی و ویلگاس، ۲۰۰۷: ۷۴).

در مطالعه حاضر، از رهیافت فازی برای ارزیابی علمی شروط مؤثر لازم و کافی، بر تشکیل اجتماع ملی استفاده شده است. رهیافت مجموعه فازی، روش جدیدی برای تحلیل علمی در مطالعه عرضی موردی است. محدودیت‌های جدول صدق و کذب در بررسی درجات شروط مورد بررسی، باعث توجه به تعیین توابع عضویت و تحلیل علمی با استفاده از این روش شده است (راگین، ۲۰۰۵: ۱). مجموعه‌های فازی نمرهای فاصله‌ای بین ۰ تا ۱ ایجاد و امکان تحلیل علمی را فراهم می‌کنند. بنابراین، روش تحلیل علمی در مطالعه حاضر. یعنی تحلیل بر مبنای منطق فازی، و نحوه آزمون فرضیات علمی بر اساس شرط لازم و کافی است. تحلیل علمی بر اساس رهیافت مجموعه فازی، مبتنی بر اصل زیرمجموعه یا به اصطلاح روابط بین مجموعه‌های فازی است که در دو قسمت، یعنی ارزیابی شرط لازم و ارزیابی شرط کافی بررسی می‌شود. در مجموعه فازی، A زیر مجموعه فازی B است، اگر تابع عضویت مجموعه A کوچکتر یا مساوی تابع عضویت مجموعه فازی B باشد. بر اساس راگین، بررسی شرط لازم، مرجح بر بررسی شرط کافی است. بنابراین، ابتدا شرط از نظر شرط لازم بودن (شاخص ضرورت) بررسی و در صورتی که شرط لازم نباشد، شرط از نظر کافی بودن (شاخص کفایت) بررسی خواهد شد. برای بررسی شروط لازم و کافی از پروتوکل راگین (۲۰۰۸: ۶۳) استفاده می‌شود. بر اساس این پروتوکل بعد از تعیین لازم یا کافی بودن شرط، ابتدا شاخص سازگاری (اهمیت نظری شرط) شرط بررسی و در صورت بالا بودن شرط سازگاری (بالای ۰/۷۵) شرط از نظر شاخص پوشش بررسی خواهد شد و در صورت مناسب بودن شاخص پوشش، شرط به منزله یک شرط لازم یا کافی انتخاب خواهد شد (راگین ۲۰۰۰، چلبی ۱۳۸۸).

جدول شماره ۱- پروتوکل ارزیابی سازگاری و پوشش

نوع رابطه زیر مجموعه		
نتیجه (Y) زیرمجموعه‌ای از علت (X) است (ضرورت)	علت (X) زیرمجموعه‌ای از نتیجه (Y) است (کفایت)	رویه
ارزیابی سازگاری با استفاده از $\Sigma[\min(X_i, Y_j)] / \Sigma(Y_i)$	ارزیابی سازگاری با استفاده از $\Sigma[\min(X_i, Y_j)] / \Sigma(X_i)$	گام اول
اگر سازگار بود، ارزیابی پوشش با استفاده از $\Sigma[\min(X_i, Y_j)] / \Sigma(X_i)$	اگر سازگار بود، ارزیابی پوشش با استفاده از $\Sigma[\min(X_i, Y_j)] / \Sigma(Y_i)$	گام دوم

برای بررسی شروط، ابتدا با استفاده از پروتوکل فوق، شروط مؤثر انتخاب و با استفاده از تحلیل علی منفرد، هر شرط بررسی شده است. در مرحله بعد، با استفاده از روش Truth Table Algorithm به بررسی ترکیبات علی مؤثر (مسیرهای علی) بر تشکیل اجتماع ملی پرداخته شده است.

شاخص سازی تابع عضویت فازی: در مطالعه حاضر از روش معرف‌های عینی و روش واسنجش برای تهیه و ایجاد توابع عضویت فازی استفاده شده است. واسنجش مبتنی بر رهیافت مجموعه فازی به شکلی بالقوه پژوهشگر اجتماعی را قادر می‌سازد حتی برای مقیاس‌های ترتیبی نیز صفر معنی‌دار فراهم کند. منظور از "واسنجش" تنظیم کردن و تحت قاعده در آوردن مدارج (فواصل) وسیله سنجش است (راگین ۲۰۰۸، چلی ۱۳۸۸).

تهیه مقیاس‌های کمی (سنجش متغیرها): به منظور استفاده از روش واسنجش، ابتدا باید مقیاس‌هایی کمی تهیه و سپس با استفاده از روش واسنجش، این مقیاس‌ها تبدیل به نمره‌ها فازی گردد. در ادامه، نحوه سنجش متغیر نتیجه و شروط علی آورده شده است.

متغیر نتیجه در مطالعه حاضر، تشکیل اجتماع ملی (ملت) است. بنابراین، تشکیل اجتماع ملی در جایگاه رخدادی تاریخی در نظر گرفته شده است. تعیین زمان وقوع رخداد تشکیل ملت، به منزله متغیر نتیجه در معنای جامعه شناختی آن بیشتر جنبه کیفی دارد تا کمی؛ و نمی‌توان زمان دقیقی برای تعیین زمان تشکیل اجتماعات ملی تعیین کرد. با این حال، به

منظور تعیین نیمرخی از زمان تشکیل ملت‌ها، معیارهای مختلفی از سوی پژوهشگران مختلف ارائه شده است که دو معیار اصلی، بر "مبنای زمان تشکیل دولت" و بر "مبنای تشکیل ملت - دولت" است.

اولین معیار بر مبنای تحلیل‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل استوار است که زمان تشکیل اجتماع ملی را بر مبنای زمان تشکیل دولت مستقل داخلی در یک واحد سرزمینی با مرزهای مشخص و بازشناسی آن از سوی جامعه بین‌الملل تعیین می‌کند. در این معیار، دولت در جایگاه نماینده ملت و یکی از بازیگران نظام بین‌الملل مورد بازشناسی قرار می‌گیرد. در این زمینه، هر چند مجموعه‌های متعددی از داده‌ها تاریخ تشکیل دولت بر مبنای علوم سیاسی تعیین کرده‌اند؛ ولی تفاوت‌هایی در این مجموعه‌ها دیده می‌شود. در این میان می‌توان به مجموعه‌های زیر اشاره کرد که زمان ورود و خروج ملت‌ها در نظام بین‌الملل را تعیین کرده‌اند:

Gleditsch and Ward list of independent states, COW interstate system, Independent States Since 1815 (Banks Cross-National Time-Series Data Archive 1815-2009)

دومین معیار کمی برای تعیین زمان تشکیل ملت، بر مبنای تشکیل ملت - دولت استوار است (ویمر و مین ۲۰۰۹ و ویمر و فینستین ۲۰۰۶). در این معیار، زمان تشکیل ملت‌ها بر اساس دو بعد داخلی و خارجی تعیین گردیده است. بر اساس این معیار، ملت - دولت زمانی ایجاد می‌شود که حاکمیت از پادشاهان و امپراتوران به ملت تغییر یابد. این حاکمیت به طور داخلی دارای یک قانون اساسی نوشته شده است که به طور ملی همه شهروندان را برابر تعریف می‌کند و برخی از نمایندگی‌های نهادی را برای این اجتماع پیش‌بینی می‌نماید و بطور خارجی، حاکمیت ملی به معنای کنترل بر تصمیمات سیاست خارجی است که بر ملت مؤثر است. (البته در این معیار، این دو بعد بدون در نظر گرفتن آنچه عملاً رخ می‌دهد، به کار برده شده است.) در مطالعه حاضر با توجه به رویکرد جامع‌تر این معیار، تحلیل‌های مربوط به زمان تشکیل ملت‌ها بر اساس این معیار صورت خواهد گرفت.

برای تبدیل سال تشکیل اجتماعات ملی، به احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی، از تحلیل‌های تاریخ رخداد (تحلیل بقا) استفاده شد. برای این منظور، از روش کاپلان - مایر برای به دست آوردن احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی استفاده شد. جدول شماره ۲ نحوه سنجش شروط علی و نحوه تعیین توابع عضویت فازی آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. نحوه سنجش شروط علی و نحوه تعیین توابع عضویت فازی (ادامه دارد)

متغیر نظری	متغیر عملیاتی	نحوه سنجش شروط	مجموعه هدف	حداقل	حداکثر	نقطه عضویت کامل	نقطه تقاطع	نقطه عدم عضویت کامل
تشکیل اجتماع ملی	تشکیل اجتماع ملی	وقوع رخداد	عضویت در مجموعه ملت‌های با احتمال بالای وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی	۱۶۴۹	۲۰۰۲	۱۸۰۰	۱۹۴۵	۱۹۸۹
دولت	تنظیم نهادی سیاسی داخلی	منظور از تنظیم نهادی- سیاسی داخلی، سابقه حاکمیت دولت مستقل داخلی در سرزمین پیش از تشکیل ملت- دولت است و از طریق سنجش مدت زمانی که یک کشور پیش از تشکیل ملت- دولت دارای دولت مستقل بوده و روی سیاست خارجی اش بدون دخالت مستقیم دول خارجی کنترل داشته، سنجید شده است. شاخص با استفاده از داده‌های ICOW Colonial History Data Set, Version 0.4: Released 13 June 2006 محاسبه و ساخته شده است. در این مجموعه داده سانسور از چپ اعمال نشده بنابراین به طور تاریخی قدمت دولت داخلی در هر کشور مشخص شده است.	عضویت در مجموعه ملت‌های با تنظیم نهادی سیاسی داخلی بالا	۰	۸۷۰	۱۵	۸۰	۱۴۱
استعمار	تنظیم نهادی سیاسی خارجی	منظور از تنظیم نهادی- سیاسی بیرونی سابقه حاکمیت دولت مستقل خارجی در سرزمین پیش از تشکیل ملت می‌باشد و از طریق سنجش مدت زمانی که پیش از تشکیل ملت - دولت یک کشور تحت حاکمیت مستقیم دولت یا دول خارجی بوده است، سنجیده شده است. شاخص با استفاده از داده‌های The From Empire to Nation-State dataset, 2006 و Global Patterns of Decolonization 1500-1987 محاسبه و ساخته شده است. برای تعیین مدت زمانی که یک کشور تحت حاکمیت دولت مستقل خارجی قرار داشته، ابتدا با استفاده از داده‌ها تاریخ آغاز حاکمیت	عضویت در مجموعه ملت‌های با تنظیم نهادی سیاسی خارجی بالا	۰	۷۵۳	۱۵	۱۰۰	۲۰۰

جدول شماره ۲. نحوه سنجش شروط علی و نحوه تعیین توابع عضویت فازی (ادامه)

متغیر نظری	متغیر عملیاتی	نحوه سنجش شروط	مجموعه هدف	حداقل	حداکثر	نقطه عضویت کامل	نقطه تقاطع	نقطه عدم عضویت کامل
		خارجی (بصورت مستعمراتی یا الحاقی) مشخص و سپس مدت حاکمیت خارجی تا زمان تشکیل ملت - دولت محاسبه شده است. در این روند برخی از کشورها به وسیله دو یا چند دولت خارجی به طور همزمان یا متوالی تحت حاکمیت بوده‌اند که در نهایت سال‌های حضور همزمان یا متوالی دولت‌های خارجی محاسبه شده است.						
زبان و تاریخ مشترک	تفاهم نمادین	برای سنجش تفاهم نمادین از دو بعد استفاده شد. شاخص همگونی زبانی و شاخص مرجع تاریخی مشترک. شاخص همگونی زبانی با استفاده از داده‌های چندپارگی زبانی با فرمول $FRACT_j = 1 - \sum_{i=1}^n s_{ij}^2$ مورد سنجش قرار گرفته که در آن s_{ij} سهم گروه زبانی i ($i=1 \dots N$) در کشور j است و از داده‌های Fractionalization Data (آلیسون و دیگران، ۲۰۰۳) استفاده شده است. برای سنجش مرجع تاریخی مشترک از شاخص تفاوت در منشأ تاریخی گروه‌های قومی با استفاده از داده‌های Minorities at Risk (MAR) Project استفاده شده است.	عضویت در مجموعه ملت‌های با تفاهم نمادین بالا	۰	۱۰۰	۹۰	۷۵	۵۰
فرهنگ مشترک	تجانس فرهنگی داخلی	تجانس فرهنگی از ترکیب همگونی دینی و همگونی قومی به عنوان دو بعد مهم در فرهنگ هر جامعه ای سنجیده شده است. همگونی دینی و قومی با استفاده از داده‌های چندپارگی دینی و قومی با فرمول $FRACT_j = 1 - \sum_{i=1}^n s_{ij}^2$ مورد سنجش قرار گرفته است که در آن s_{ij} سهم گروه قومی یا دینی i ($i=1 \dots N$) در کشور j است و از داده‌های Fractionalization Data (آلیسون و دیگران، ۲۰۰۳) استفاده شده است.	عضویت در مجموعه ملت‌های با تجانس فرهنگی داخلی بالا	۰	۱۰۰	۸۴	۵۰	۳۰

جدول شماره ۲. نحوه سنجش شروط علی و نحوه تعیین توابع عضویت فازی (ادامه)

متغیر نظری	متغیر عملیاتی	نحوه سنجش شروط	مجموعه هدف	حداقل	حداکثر	نقطه عضویت کامل	نقطه تقاطع	نقطه عدم عضویت کامل
سرزمین مشترک	علقه سرزمینی	برای سنجش علقه سرزمینی نسبتی از جمعیت که سرزمین تاریخی متصور شده‌شان کاملاً خارج یا فراتر از مرزهای سیاسی ملت - دولت قرار دارد و با استفاده از داده‌های Minorities at Risk Project (MAR) مورد سنجش قرار گرفته است.	عضویت در مجموعه ملت‌های با علقه سرزمینی بالا	۰	۷۵	۵۰	۳۵	۰.۹۹
مدرنیزاسیون	شرایط پیشینی مدرنیزاسیون	از آنجای که سنجش مدرنیزاسیون با توجه به تاریخی بودن مطالعه، دارای الزامات خاص نظری و تجربی است، بنابراین از یک شاخص نزدیک به نام "شرایط پیشینی مدرنیزاسیون" استفاده شده است که از ترکیب سه شاخص دیگر یعنی درصد جمعیت شهرنشین، درصد جمعیت باسواد و درصد جمعیت غیر کشاورز پیش از تشکیل ملت ساخته شده است. داده‌های این سه شاخص از Cross-National Time-Series Data Archive, 1815-2009 و Index of Power Resources (2003) گردآوری شده است.	عضویت در مجموعه ملت‌های با شرایط پیشینی مدرنیزاسیون بالا	۰	۹۷.۸۲	۵۵	۴۰	۱۴
جنگ درون سیستمی	جنگ‌های درون سیستمی در ۱۵ سال قبل از تشکیل	برای سنجش شروط جنگ درون سیستمی، تعداد جنگ‌های درون سیستمی در ۱۵ سال پیش از تشکیل با استفاده از داده‌های The location and purpose of wars around the world, 1816-2001 و The From Empire to Nation-State dataset, 2001 و Wars Between and Within Independent States, 2006 و 1816-2002 محاسبه و ساخته شده است.	عضویت در مجموعه ملت‌های با جنگ‌های درون سیستمی بالا در ۱۵ سال قبل از تشکیل	۰	۱۴	۱۰	۶	۱
اشاعه (نزدیکی)	نزدیکی به مراکز اشاعه ایده ملت	برای سنجش نزدیکی مرکز اصلی اشاعه ایده ملت (فرانسه و انگلستان) با استفاده از داده‌های Minimum Distance Data, 1875-2002 فاصله هر کشور تا فرانسه و انگلیس مشخص و سپس کمینه این دو به عنوان نزدیکی به مراکز اصلی اشاعه ایده ملت محاسبه و ساخته شده است.	عضویت در مجموعه ملت‌های نزدیک به مراکز اشاعه ایده ملت	۰	۱۸۸۱۷	۸۵۰۰	۶۰۰۰	۱۲۰۰

جدول شماره ۲. نحوه سنجش شروط علی و نحوه تعیین توابع عضویت فازی (ادامه)

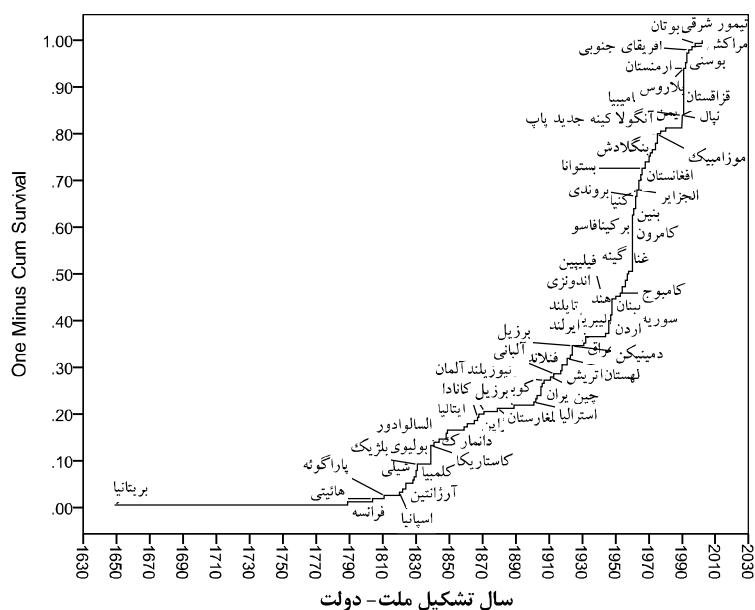
متغیر نظری	متغیر عملیاتی	نحوه سنجش شروط	مجموعه هدف	حداقل	حداکثر	نقطه عضویت کامل	نقطه تقاطع	نقطه عدم عضویت کامل
اشاعه (همسایگی)	تشکیل ملت دولتها	داده‌های ملت - دولت‌های تشکیل شده در همسایگی، در ۱۰ سال قبل از تشکیل با استفاده از داده‌های Direct Contiguity, 1816-2006 (v3.1) محاسبه و ساخته شده است. برای این منظور، ابتدا با استفاده از داده‌های Direct Contiguity, 1816-2006 (v3.1) همسایگان هر کشور مشخص و سپس سال تشکیل ملت - دولت در آن‌ها با استفاده از داده‌های The From Empire to Nation-State dataset, 2006 تعیین گردید. سپس تعداد کشورهای همسایه که قبل از تشکیل ملت - دولت به مرحله تشکیل ملت دولت رسیده بودند، محاسبه، در نهایت شاخص ساخته شد.	عضویت در مجموعه ملت‌های با تشکیل بالای ملت - دولت‌ها در همسایگی	۰	۸	۴	۳	۰
اشاعه (جنگ داخلی همسایگی)	جنگ‌های داخلی در همسایگی در ۱۰ سال قبل	برای سنجش تعداد جنگ‌های مدنی (تأکید بر جنگ‌های ملی گرایانه) در همسایگی، در ۱۰ سال قبل از تشکیل، ابتدا با استفاده از داده‌های Direct Contiguity, 1816-2006 (v3.1) همسایگان کشورها مشخص و سپس با استفاده از داده‌های The location and purpose of wars around the world, 1816-2001 The From Empire to Nation-State dataset, 2006 جنگ‌های مدنی در هر کشور معین و در نهایت تعداد جنگ‌های مدنی در هر کشور همسایه در ۱۵ سال قبل از تشکیل ملت - دولت محاسبه و با جمع همسایگان شاخص ساخته شد.	عضویت در مجموعه ملت‌های با جنگ‌های داخلی بالا در همسایگی در ۱۰ سال قبل	۰	۱۰	۷	۴	۰
جنگ بین دولتی	جنگ‌های بین دولتی بالا در ۱۵ سال قبل از تشکیل	برای سنجش شروط جنگ بین دولتی، تعداد جنگ‌های بین دولتی در ۱۵ سال پیش از تشکیل با استفاده از داده‌های The location and purpose of wars around the world, 1816-2001 The From Empire to Nation-State dataset, 2006 و Wars Between and Within Independent States, 1816-2002 محاسبه و ساخته شده است.	عضویت در مجموعه ملت‌های با جنگ‌های بین دولتی بالا در ۱۵ سال قبل از تشکیل	۰	۱۰	۷	۴	۰

بازه زمانی مطالعه: از آنجای که در بررسی ملت - دولت‌ها، سال تشکیل اولین ملت - دولت ۱۶۴۹ م است. مطالعه حاضر از ۱۶۴۹ آغاز و تا ۲۰۰۲ امتداد دارد. البته تمرکز اصلی مطالعه، از ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۲ است.

نمونه مورد مطالعه: نمونه مورد مطالعه، همه ملت‌های دنیاست که دارای جمعیت بالای ۵۰۰ هزار نفر باشند. علاوه بر ملت‌هایی که زیر ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارند، دولت‌های عربی عربستان سعودی، امارات متحده عربی، لیبی، عمان و کویت به علت دارا نبودن شرایط ملت - دولت از مطالعه خارج شده‌اند.

یافته‌های تحقیق

برای تعیین احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی بر مبنای تشکیل ملت - دولت، از تحلیل‌های تاریخ رخداد (تحلیل بقا) استفاده شد. برای این منظور، از تحلیل کاپلان مایر برای بررسی الگوهای توزیع زمانی تشکیل ملت - دولت بهره گرفته شد. نمودار شماره ۲ توزیع احتمال تشکیل ملت - دولت را طی دوره ۱۶۴۹ تا ۲۰۱۰ نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۲ - توزیع تراکمی احتمال وقوع رخداد تشکیل ملت بر مبنای تشکیل ملت - دولت با استفاده از تحلیل کاپلان - مایر

چنانکه نمودار ۲ نشان می‌دهد، روند تشکیل ملت- دولت‌ها، طی سال ۱۶۴۹ تا ۱۸۰۰ م، روند کندی را طی کرده است و شیب ملایمی دارد؛ ولی پس از آن، رخداد تشکیل ملت- دولت سرعت بیشتری گرفته، به ویژه در اوایل قرن نوزدهم، اوایل قرن بیستم، دهه ۱۹۵۰، دهه ۹۶۰ و دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰. بنابراین، می‌توان مقاطعی از زمان را که شیب نمودار بیشتر می‌شود، به منزله مقاطع اصلی در تشکیل زمانی ملت بر مبنای تشکیل ملت- دولت قلمداد کرد. بررسی میانگین رخداد تشکیل اجتماعات ملی نیز سال ۱۹۳۲ م را نشان می‌دهد. سایر اطلاعات توصیفی در جدول شماره ۳ آمده‌است.

جدول شماره ۳- آماره‌های توصیفی مربوط به زمان تشکیل ملت، بر مبنای تشکیل ملت- دولت

میانگین		سانسور شده‌ها		تعداد رخدادها	تعداد کل
فاصله اطمینان ۹۵٪	انحراف استاندارد	تخمین	درصد		
پایین‌ترین حد	بالاترین حد				
۱۹۴۱	۱۹۲۲	۴۸۷	۱۹۳۲	۰٪	۱۵۰

تحلیل علی مبتنی بر منطق فازی کل ملت‌های مورد بررسی

در این قسمت، به بررسی شروط علی مؤثر بر افزایش وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی در ۱۵۰ ملت می‌پردازیم. این بررسی، در دو بخش تحلیل علی منفرد و تحلیل مسیرهای علی انجام خواهد بود.

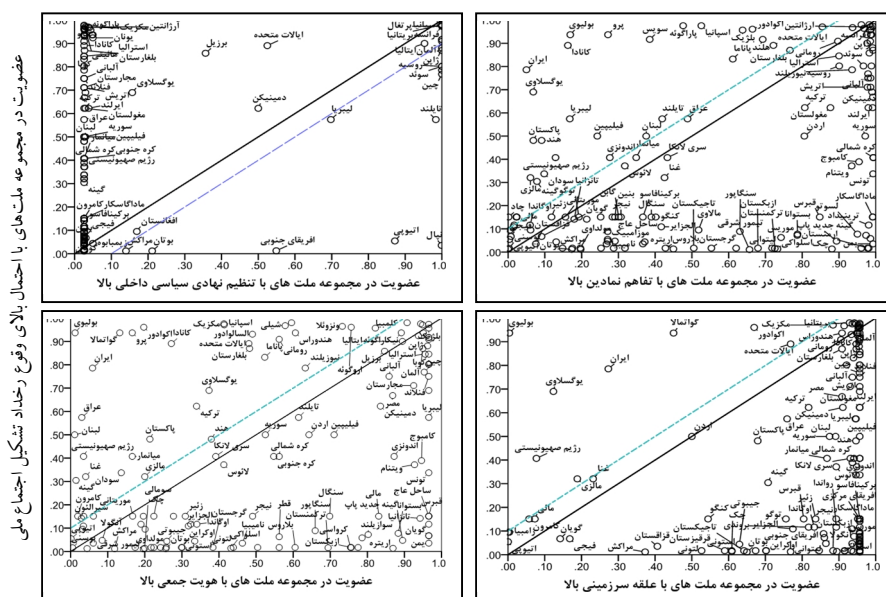
تحلیل علی منفرد: برای بررسی شروط مؤثر بر افزایش احتمال وقوع رخداد تشکیل ملت- دولت‌ها با استفاده از تحلیل فازی، ابتدا به بررسی تحلیل علی منفرد پرداخته می‌شود تا شروط مؤثر و نوع شرط تعیین گردد. سپس با ترکیب شروط مؤثر به بررسی مسیرهای علی پرداخته می‌شود. جدول شماره ۴ تحلیل علی منفرد برای شروط مؤثر بر افزایش احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی (ملت- دولت) را در کل ملت‌های مورد بررسی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴- تحلیل علی منفرد شروط مؤثر بر احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی، در کل ملت‌های مورد بررسی

اهمیت نظری و تجربی شرط	تعیین اولیه نوع شرط			شرط علی	بعد نظری	
	شاخص پوشش	شاخص سازگاری	نوع شرط			شاخص کفایت
۰.۲۹	۰.۷۷	کافی	۰.۷۷	۰.۲۹	عضویت در مجموعه ملت‌های با تنظیم نهادی سیاسی داخلی بالا	عامل داخلی
			۰.۵۲	۰.۷۱	عضویت در مجموعه ملت‌های با تنظیم نهادی سیاسی خارجی بالا	عامل بیرونی
۰.۵۹	۰.۸۰	لازم	۰.۵۹	۰.۸۰	عضویت در مجموعه ملت‌های با تفاهم نمادین بالا	ساختار داخلی
			۰.۶۷	۰.۶۷	عضویت در مجموعه ملت‌های با تجانس فرهنگی داخلی بالا	
۰.۴۸	۰.۹۳	لازم	۰.۴۸	۰.۹۳	عضویت در مجموعه ملت‌های با علقه سرزمینی بالا	
۰.۶۲	۰.۷۷	لازم	۰.۶۲	۰.۷۷	عضویت در مجموعه ملت‌های با هویت جمعی بالا	
			۰.۴۰	۰.۳۳	عضویت در مجموعه ملت‌های با شرایط پیشینی مدرنیزاسیون بالا	
			۰.۵۲	۰.۱۳	عضویت در مجموعه ملت‌های با جنگ‌های درون سیستمی بالا در ۱۵ سال قبل از تشکیل	
			۰.۴۷	۰.۶۶	عضویت در مجموعه ملت‌های نزدیک به مراکز اشاعه ایده ملت	
			۰.۶۷	۰.۴۵	عضویت در مجموعه ملت‌های با تشکیل بالای ملت-دولت‌ها در همسایگی	ساختار بیرونی
			۰.۵۸	۰.۲۰	عضویت در مجموعه ملت‌های با جنگ‌های مدنی بالا در همسایگی در ۱۰ سال قبل	
			۰.۸۲	۰.۱۵	عضویت در مجموعه ملت‌های با جنگ‌های بین دولتی بالا در ۱۵ سال قبل از تشکیل	

چنانکه جدول نشان می‌دهد، از میان ۱۵ شرط مورد بررسی در تحلیل علی منفرد، چهار شرط - یعنی تنظیم نهادی سیاسی داخلی، تفاهم نمادین، علقه سرزمینی و هویت جمعی - احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی را در کل ملت‌های مورد بررسی افزایش داده‌اند. چنانکه جدول نشان می‌دهد، تنظیم نهادی سیاسی داخلی به منزله شرط کافی و سه شرط

دیگر به منزله شرط لازم، توانسته‌اند احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی را در کل ملت‌های مورد بررسی افزایش دهند. در حقیقت، جمع ارزش‌های فازی نتیجه کوچک‌تر یا مساوی جمع ارزش‌های فازی سه شرط تفاهم نمادین، علقه سرزمینی و هویت جمعی است. جمع ارزش‌های فازی نتیجه ۵۸.۹۸ و جمع ارزش‌های فازی تفاهم نمادین ۷۹.۷۳، علقه سرزمینی ۱۲۲.۳۲ و هویت جمعی ۷۲.۷۷ است که نشان دهنده کوچک‌تر بودن ارزش‌های فازی نتیجه نسبت به این سه شرط است به عبارت دیگر، نتیجه زیر مجموعه سه شرط فوق است؛ اما ارزش‌های فازی نتیجه، بزرگ‌تر از ارزش‌های فازی تنظیم نهادی سیاسی داخلی است (۲۳.۴۸) است که نشان می‌دهد تنظیم نهادی - سیاسی داخلی زیر مجموعه نتیجه است. از این رو، شرط به منزله شرط کافی عمل می‌کند. نمودارهای شماره ۳، وضعیت ملت‌های مختلف را در این چهار شرط نشان می‌دهد.



نمودارهای شماره ۳- وضعیت ملت‌های مختلف در چهار شرط مؤثر

تحلیل مسیرهای علی: در تحلیل‌های علی منفرد، چهار شرط دارای رابطه با افزایش احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی بودند. حال باید دید ملت‌های مورد بررسی با چه

ترکیبات علی و از طریق چه مسیرهای علی به مرحله تشکیل اجتماع ملی رسیده‌اند. برای این منظور، با استفاده از روش Truth Table Algorithm با نرم افزار fs/cqa به بررسی ترکیبات علی مؤثر بر افزایش احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی پرداخته شد. در مرحله بعد، سازگاری ترکیب‌های مختلف بررسی می‌شود و در نهایت ترکیب‌هایی که دارای سازگاری بالاتر از آستانه تعیین شده (۰.۷۵) هستند، به منزله ترکیب‌های نهایی انتخاب می‌شوند و در معادله قرار می‌گیرند. جدول صدق و کذب زیر، ترکیب‌های علی را بر اساس روش Truth Table Algorithm نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵- ترکیب‌های علی شرایط علی در روش جدول صدق در کل ملت‌های مورد بررسی

کد ترکیب	شاخص سازگاری	تعداد کل کشورها در ترکیب علی	شروط علی			
			هویت جمعی	علت‌ه سرزمینی	تفاهم نمادین	تنظیم نهادی- سیاسی داخلی
۰	۰.۶۱	۴۱	۱	۱	۱	۰
۰	۰.۴۳	۳۴	۰	۱	۰	۰
۰	۰.۶۳	۱۲	۰	۱	۱	۰
۱	۰.۹۱	۱۱	۱	۱	۱	۱
۰	۰.۵۸	۱۰	۰	۰	۰	۰
۰	۰.۵۸	۹	۱	۱	۰	۰
۰	۰.۶۱	۳	۱	۰	۰	۰
۱	۰.۹۲	۳	۱	۱	۰	۱

بر اساس جدول صدق و کذب فوق، با توجه به اینکه چهار شرط در تحلیل علی منفرد شروط لازم و کافی دانسته شدند، از ترکیب این چهار شرط، ۱۶ حالت یا مسیر ممکن حاصل می‌شود (2^k که k تعداد شروط است) از این ۱۶ مسیر ممکن، ۱۱ حالت دارای داده تجربی است. با توجه به حجم نمونه، مسیرهایی که زیر ۳ مورد فراوانی (آستانه فراوانی) داشته باشند، نیز از تحلیل حذف می‌شوند. نهایتاً ۸ مسیر باقی می‌ماند. بررسی شاخص سازگاری این هشت مسیر (به منزله شرط کافی) نشان می‌دهد که تنها دو مسیر زیر دارای

شاخص سازگاری بالای ۰.۷۵ هستند:

مسیر چهارم: تنظیم نهادی- سیاسی داخلی* تفاهم نمادین* علقه سرزمینی* هویت جمعی +
مسیر هشتم: تنظیم نهادی- سیاسی داخلی* ~ تفاهم نمادین* علقه سرزمینی* هویت جمعی
با استفاده از قواعد ساده سازی فازی و حذف تفاهم نمادین، در نهایت مسیر زیر بعنوان
مسیر نهایی در تحلیل شروط مؤثر بر تشکیل اجتماعی ملی باقی مانده است:

جدول شماره ۶- نتیجه نهایی مسیرهای علی در کل ملت‌های مورد بررسی

شاخص کلی		شاخص مسیر			مسیر علی
پوشش کل	سازگاری کل	پوشش یکه	پوشش خام	سازگاری	
۰.۲۸	۰.۸۹	۰.۲۸	۰.۲۸	۰.۸۹	تنظیم نهادی- سیاسی داخلی* علقه سرزمینی* هویت جمعی

ولی چنانکه شاخص سازگاری و پوشش مسیر نشان می‌دهد، این مسیر تنها ۲۸ درصد از تغییرات متغیر نتیجه را پوشش می‌دهد و دارای اهمیت تجربی پایینی است. بنابراین، به طور کلی، می‌توان گفت شروط مورد بررسی، قدرت تبیین چندانی در تحلیل مسیرهای علی تشکیل ملت در کل ۱۵۰ ملت مورد بررسی ندارند. به عبارت دیگر، با توجه به تنوع ملت‌ها و مسیرهای متفاوتی که این ملت‌ها طی کرده‌اند، تعیین یک یا چند مسیر علی برای تشکیل ملت مشکل است؛ زیرا میزان تأثیرپذیری ملت‌های مختلف از شرایط ساختاری و عاملیتی داخلی و خارجی با یکدیگر متفاوت است و بنابراین، می‌توان گفت که احتمالاً تعیین مسیر علی مشترکی برای بیشتر ملت‌های مورد بررسی - با توجه به شروط مورد بررسی در مطالعه حاضر - کار دشواری است؛ زیرا با توجه به روند تاریخی شکل‌گیری ملت‌ها، در بررسی کلی توجهی به بسترهای مکانی و زمانی نمی‌شود. این امر به ویژه در مورد ملت‌های در حال توسعه نیز صادق است. بر اساس نتیجه فوق، باید به سراغ بررسی ملت‌ها بر اساس تنوعات تجربی و دخالت شرایط زمانی و مکانی شکل‌گیری‌شان به منظور کنترل زمینه شکل‌گیری‌شان رفت. از این رو، در ادامه، به بررسی رابطه شروط مؤثر و نتیجه، به تفکیک منطقه جغرافیایی، می‌پردازیم. بر اساس مناطق جغرافیایی، ۱۰ ملت در خاورمیانه، ۸ ملت در آسیای مرکزی و قفقاز، ۶ ملت در آسیای جنوبی، ۵ ملت در آسیای شرقی، ۱۲ ملت در

آسیای جنوب شرقی، ۴ ملت در افریقای شمالی، ۴۳ ملت در افریقای زیر صحرا، ۲۲ ملت در امریکای لاتین، ۲۰ ملت در اروپای شرقی و مرکزی و ۲۰ ملت نیز جزء کشورهای توسعه یافته هستند. از آنجا که تاکید مقاله بر ملت‌های در حال توسعه است، تمام ۲۰ ملت توسعه یافته در یک دسته طبقه‌بندی شده‌اند.

الگوی زمانی وقوع رخداد و شروط مؤثر بر تشکیل اجتماع ملی، بر اساس مناطق جغرافیایی

به منظور تعیین الگوهای زمانی تشکیل ملت‌ها بر حسب مناطق جغرافیایی و بررسی تنوعات جغرافیایی آن، زمان تشکیل ملت‌ها در ۱۰ منطقه جغرافیایی بررسی شد. جدول شماره ۷ آماره‌های توصیفی تشکیل ملت در مناطق جغرافیایی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷- میانگین رخداد تشکیل اجتماع ملی در کشورهای در حال توسعه
بر حسب مناطق جغرافیایی، با استفاده از تحلیل کاپلان- مایر

مناطق جغرافیایی	تعداد کل	تعداد رخدادها	سانسور شده‌ها		میانگین	
			تعداد	درصد	تخمین	انحراف استاندارد
			فاصله اطمینان ۹۵٪	پایین‌ترین حد	بالا‌ترین حد	
خاورمیانه	۱۵	۱۰	۰	٪۰.۰	۱۹۴۷	۷.۵۶۶
آسیای مرکزی و قفقاز	۸	۸	۰	٪۰.۰	۱۹۹۱	۱۸۹.
آسیای جنوبی	۶	۶	۰	٪۰.۰	۱۹۶۷	۹.۴۴۵
آسیای شرقی	۵	۵	۰	٪۰.۰	۱۹۲۰	۱۴.۷۸۰
آسیای جنوب شرقی	۱۲	۱۲	۰	٪۰.۰	۱۹۵۹	۵.۱۱۴
افریقای شمالی	۵	۴	۰	٪۰.۰	۱۹۶۰	۱۴.۹۶۹
افریقای زیر صحرا	۴۳	۴۳	۰	٪۰.۰	۱۹۶۵	۱.۵۱۱
آمریکای لاتین	۲۲	۲۲	۰	٪۰.۰	۱۸۵۶	۱۰.۰۳۲
اروپای مرکزی و شرقی	۲۰	۲۰	۰	٪۰.۰	۱۹۵۹	۱۰.۰۸۱
ملت‌های پیشرفته صنعتی	۲۰	۲۰	۰	٪۰.۰	۱۸۵۷	۱۳.۹۳
کل ملت‌ها	۱۵۵	۱۵۰	۰	٪۰.۰	۱۹۳۲	۴.۸۷

بررسی میانگین رخداد تشکیل اجتماعات ملی بر حسب مناطق جغرافیایی، نشان می‌دهد که میانگین سال تشکیل ملت، برای ملت‌های امریکای لاتین ۱۸۵۶، آسیای شرقی ۱۹۲۰، خاورمیانه ۱۹۴۷، آسیای جنوب شرقی و اروپای شرقی و مرکزی ۱۹۵۹، افریقای شمالی ۱۹۶۰، افریقای زیر صحرا ۱۹۶۵، آسیای جنوبی ۱۹۶۷ و در نهایت آسیای مرکزی و قفقاز ۱۹۹۱ و برای ملت‌های توسعه یافته ۱۸۵۷ است. آزمون تفاوت در توزیع احتمال وقوع رخداد تشکیل ملت در مناطق جغرافیایی ده گانه، نیز معنی‌دار بودن توزیع زمانی را نشان می‌دهد. این به آن معناست که قرار گرفتن در هر کدام از این مناطق ممکن است بر زمان تشکیل ملت - دولت در آن‌ها مؤثر باشد. بنابراین، بین مناطق جغرافیایی تفاوت معنی‌داری از نظر زمان وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی وجود دارد.

جدول شماره ۸- تست برابری توزیع‌های بقا، برای مناطق مختلف جهان

معنی‌داری	درجه آزادی	کای اسکور	
۰.۰۰۰	۹	۱۶۵.۹۰۹	Log Rank (Mantel-Cox)
۰.۰۰۰	۹	۱۶۳.۳۷۷	Breslow (Generalized Wilcoxon)
۰.۰۰۰	۹	۱۶۶.۰۶۲	Tarone-Ware

در ادامه، به بررسی شروط علی مؤثر بر افزایش احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی، در هر کدام از مناطق کشورهای در حال توسعه می‌پردازیم.
تحلیل علی منفرد: جدول شماره ۹، نتیجه تحلیل علی منفرد هر یک از ۱۰ منطقه را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۹- تحلیل علی منفرد شروط مؤثر بر احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی،
در مناطق مختلف مورد بررسی

عضویت در مجموعه ملت‌های با	ملت‌های خاورمیانه			ملت‌های آسیای مرکزی و قفقاز			ملت‌های آسیای جنوبی			ملت‌های آسیای شرقی			ملت‌های آسیای جنوب شرقی			ملت‌های افریقای شمالی			ملت‌های افریقای زیر صحرای			ملت‌های آمریکای لاتین			ملت‌های اروپای شرقی و مرکزی			ملت‌های توسعه یافته		
	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته	توسعه یافته		
تنظیم نهادی سیاسی داخلی بالا	۰.۲۶	۰.۷۸	کافی	۰.۶۶	۱	کافی	۰.۱۱	۰.۱۴	۰.۵۳	۰.۷۶	کافی	۰.۲۲	۰.۶۷	۰.۰۹	۰.۵۱	۰.۱۸	۰.۵۴	۰.۰۸	۱	۰.۲۳	۰.۸۱	کافی	۰.۷۰	۰.۸۴	کافی	۰.۲۳	۰.۸۱	کافی	۰.۷۰	۰.۸۴
تنظیم نهادی سیاسی خارجی بالا	۰.۶۶	۰.۴۳	۱	۰.۰۶	۱	۰.۹۹	۰.۵۰	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۱	۰.۷۱	۰.۵۱	۰.۳۸	۰.۵۸	۰.۹۰	۰.۴۸	لازم	۰.۸۵	۰.۸۸	لازم	۰.۲۷	۰.۲۲	لازم	۰.۲۷	۰.۲۲	لازم	۰.۲۲	۰.۶۳
تفاهم نمادین بالا	۰.۶۷	۰.۵۳	۱	۰.۰۷	۱	۰.۵۱	۰.۳۸	۰.۶۲	۰.۶۲	۰.۶۲	لازم	۰.۴۸	۰.۷۲	۱	لازم	۰.۴۶	۰.۶۶	۰.۴۹	۰.۸۷	۰.۸۴	لازم	۰.۴۱	۰.۸۴	لازم	۰.۴۱	۰.۸۴	لازم	۰.۴۱	۰.۸۴	
تجانس فرهنگی داخلی بالا	۰.۸۳	۰.۷۳	لازم	۰.۹۶	۰.۰۸	۰.۷۰	۰.۴۰	۰.۹۴	۰.۷۵	۰.۷۵	لازم	۰.۶۰	۰.۷۷	۱	لازم	۰.۳۲	۰.۳۳	۰.۴۷	۱	کافی	۰.۷۷	۰.۵۲	لازم	۰.۶۵	۰.۶۷	لازم	۰.۶۵	۰.۶۷		
شرایط پیشینی مدرنیزاسیون بالا	۰.۳۳	۰.۵۵	۱	۰.۰۴	۱	۰.۳۷	۰.۹۸	کافی	۰.۰۶	۱	۰.۵۷	۰.۴۰	۰.۳۱	۰.۳۳	۰.۳۱	۰.۱۸	۰.۳۹	۰.۱۰	۰.۴۷	۰.۳۰	۰.۳۰	۰.۱۱	۰.۶۳	۰.۶۶	۰.۳۰	۰.۳۰	۰.۱۱	۰.۶۳		
علقه سرزمینی بالا	۰.۷۶	۰.۵۲	لازم	۱	۰.۰۵	۱	۰.۳۱	۱	۰.۶۳	۱	۰.۹۷	۰.۳۸	۰.۹۷	۱	لازم	۰.۴۰	۰.۹۱	۰.۲۶	۰.۸۹	۰.۹۱	لازم	۰.۳۳	۰.۹۹	لازم	۰.۳۳	۰.۹۹	لازم	۰.۳۳	۰.۹۹	
تشکیل بالای ملت دولت ها در همسایگی	۰.۱۷	۰.۳۶	۱	۰.۱۸	۰.۳۱	۰.۴۶	۰.۱۸	۰.۹۵	۰.۱۸	۰.۳۷	۰.۸۵	کافی	۰.۳۷	۰.۴۴	۰.۴۵	۰.۶۴	۰.۵۸	۰.۳۲	۰.۸۵	کافی	۰.۳۲	۰.۴۹	۰.۵۲	۰.۵۷	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲	۰.۵۲		
جنگهای مدنی بالا در همسایگی در ۱۰ سال قبل از تشکیل	۰.۲۲	۱	۱	۰.۰۸	۰.۲۸	۰.۵۵	۰.۲۸	۰.۳۵	۰.۷۳	۰.۳۵	۰.۲۷	۰.۷۱	۰.۲۷	۰.۱۵	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۴۸	۰.۱۶	۱	۰.۳۶	۰.۹۰	کافی	۰.۱۳	۰.۹۶	کافی	۰.۱۳	۰.۹۶			
جنگ‌های بین دولتی بالا در ۱۵ سال قبل از تشکیل	۰.۲۸	۰.۷۵	کافی	۱	۰.۸۳	۰.۱۷	۰.۹۳	۰.۰۹	۱	۰.۲۸	۰.۹۵	کافی	۰.۴۱	۰.۹۷	کافی	۰.۲۱	۰.۹۹	۰.۲۱	۰.۰۶	۱	۰.۲۷	۰.۵۲	۰.۰۷	۰.۹۴	۰.۲۷	۰.۲۷	۰.۰۷	۰.۹۴		
جنگهای درون سیستمی بالا در ۱۵ سال قبل از تشکیل	۰.۱۰	۱	۱	۰.۷۵	۰.۹۶	۰.۱۰	۱	۰.۱۰	۰.۰۴	۱	۰.۴۷	۰.۴۸	۰.۳۱	۰.۳۵	۰.۲۲	۰.۳۰	۰.۲۲	۰.۰۹	۱	۰.۱۵	۱	۰.۰۵	۰.۹۶	۰.۰۵	۰.۱۰	۰.۱۰	۰.۰۵			
هویت جمعی بالا	۰.۴۰	۰.۵۲	۱	۰.۰۹	۰.۷۴	۰.۵۷	۰.۷۴	۱	۰.۹۷	۱	۰.۹۰	۰.۴۵	۰.۹۰	۱	لازم	۰.۷۰	۰.۴۳	۰.۸۴	۰.۶۹	۰.۸۴	لازم	۰.۴۶	۰.۸۷	لازم	۰.۸۷	۰.۸۷	لازم	۰.۸۷	۰.۸۷	
ملت‌های نزدیک به مراکز اشاعه ایده ملت	۱	۰.۴۸	لازم	۱	۰.۰۵	۰.۷۸	۰.۶۷	۰.۳۷	۱	۰.۳۷	کافی	۱	۰.۱۹	۱	لازم	۰.۳۰	۰.۹۷	۰.۳۷	۰.۲۰	۰.۹۳	کافی	۰.۲۹	۰.۹۱	لازم	۰.۹۱	۰.۹۱	لازم	۰.۹۱	۰.۹۱	

تحلیل ترکیبات علی: چنانکه مشاهده شد، از ۱۲ شرط مورد بررسی در مطالعه حاضر، در هر یک از زیر نمونه‌های مناطق مورد بررسی، تعدادی از شروط دارای رابطه معنی‌داری با افزایش احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی بودند این امر نشان دهنده تفاوت در میان این مناطق است. حال، باید دید که ملت‌های واقع در این مناطق، از طریق چه ترکیبات علی به مرحله تشکیل ملت رسیده‌اند. برای این منظور، با استفاده از نرم افزار fs/qca، ترکیبات علی برای هر منطقه با استفاده از شروط مؤثر در تحلیل علی منفرد مورد بررسی قرار گرفت. جدول زیر، تعداد شروط مؤثر، ترکیبات علی و ترکیبات دارای سازگاری بالا را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۰- تعداد شروط مؤثر، ترکیبات علی و ترکیبات دارای سازگاری بالا در مناطق مورد بررسی

منطقه	تعداد شروط مؤثر	تعداد ترکیبات ممکن	تعداد ترکیبات دارای داده تجربی	تعداد ترکیبات دارای داده تجربی با سازگاری بالای ۰.۷۵
خاورمیانه	۵	۳۲	۶	۵
آسیای مرکزی و قفقاز	۲	۸	۱	۰
آسیای جنوبی	۵	۳۲	۴	۲
آسیای شرقی	۶	۶۴	۲	۲
آسیای جنوب شرقی	۹	۵۱۲	۶	۴
افریقای شمالی	۸	۲۵۶	۳	۰
افریقای زیر صحرا	۴	۱۶	۷	۱
امریکای لاتین	۱۰	۱۰۲۴	۱۱	۱۰
اروپای مرکزی و شرقی	۹	۲۵۶	۶	۱
کشورهای توسعه یافته	۵	۳۲	۶	۶

چنانکه جدول نشان می‌دهد، امریکای لاتین با ۱۰۲۴ مسیر ممکن و آسیای جنوب شرقی با ۵۱۲ مسیر ممکن، دارای بیشترین ترکیبات ممکن می‌باشند. در تعداد ترکیبات دارای داده تجربی با سازگاری بالای ۰.۷۵ در نهایت امریکای لاتین با ۱۰ مسیر نهایی، کشورهای توسعه یافته با ۶ مسیر و خاورمیانه با ۵ مسیر دارای داده تجربی با سازگاری

بالای ۰.۷۵، بالاترین ترکیبات نهایی را دارند. با اعمال ساده‌سازی فازی مسیرهای نهایی تشکیل اجتماع ملی در ملت‌های مورد بررسی در نهایت مسیرهای علی تشکیل اجتماع ملی در مناطق نه گانه کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته به شرح زیر است:

جدول شماره ۱۱- نتیجه نهایی مسیرهای علی بر حسب مناطق مختلف مورد بررسی

مناطق	مسیرهای علی	شاخص مسیرها			شاخص کل	
		سازگاری	پوشش خام	پوشش یکه	سازگاری کل	پوشش کل
خاورمیانه	~ تنظیم نهادی-سیاسی داخلی*~ علقه سرزمینی*~ جنگ‌های بین دولتی بالا* نزدیکی به مراکز اشاعه ایده ملت	۰.۶۵	۰.۴۰	۰.۰۱	۰.۷۰	۰.۸۴
	~ تجانس فرهنگی*~ علقه سرزمینی*~ جنگ‌های بین دولتی بالا* نزدیکی به مراکز اشاعه ایده ملت	۰.۸۹	۰.۵۴	۰.۱۸		
	~ تنظیم نهادی-سیاسی داخلی* تجانس فرهنگی* علقه سرزمینی* نزدیکی به مراکز اشاعه ایده ملت	۰.۸۰	۰.۵۵	۰.۲۹		
ملت‌های آسیای مرکزی و قفقاز	-	-	-	-	-	-
ملت‌های آسیای جنوبی	تنظیم نهادی-سیاسی خارجی*~ شرایط پیشینی مدرنیزاسیون* علقه سرزمینی*~ هویت جمعی بالا	۱	۰.۷۷	۰.۷۷	۱	۰.۷۷
ملت‌های آسیای شرقی	تفاهم نمادین* تجانس فرهنگی* علقه سرزمینی* هویت جمعی*~ نزدیکی به مراکز اشاعه ایده ملت	۰.۹۱	۰.۸۹	۰.۸۹	۰.۹۱	۰.۸۹
ملت‌های آسیای جنوب شرقی	تنظیم نهادی-سیاسی خارجی*~ تفاهم نمادین*~ تجانس فرهنگی* علقه سرزمینی*~ تشکیل بالای ملت-دولت در همسایگی*~ جنگ‌های بین دولتی بالا	۰.۷۱	۰.۴۶	۰.۱۷	۰.۷۵	۰.۷۱
	تنظیم نهادی-سیاسی خارجی*~ تفاهم نمادین* تجانس فرهنگی* علقه سرزمینی*~ تشکیل بالای ملت-دولت در همسایگی*~ جنگ‌های بین دولتی بالا* هویت جمعی	۰.۷۵	۰.۵۳	۰.۲۵		

مناطق	مسیرهای علی	شاخص مسیرها			شاخص کل	
		سازگاری	پوشش خام	پوشش بکه	سازگاری کل	پوشش کل
ملت‌های افریقای شمالی	-	-	-	-	-	-
ملت‌های افریقای زیر صحرا	تنظیم نهادی-سیاسی خارجی*~ علقهٔ سرزمینی*~ جنگ‌های بین دولتی بالای* نزدیکی به مراکز اشاعهٔ ایدهٔ ملت	۰.۸۰	۰.۴۳	۰.۴۳	۰.۸۰	۰.۴۳
ملت‌های امریکای لاتین	تنظیم نهادی-سیاسی خارجی* تفاهم نمادین* علقهٔ سرزمینی*~ تشکیل بالای ملت- دولت در همسایگی* هویت جمعی*~ نزدیکی به مراکز اشاعهٔ ایدهٔ ملت	۰.۹۹	۰.۵۸	۰.۰۷	۰.۹۹	۰.۷۵
	تنظیم نهادی-سیاسی خارجی* تجانس فرهنگی* علقهٔ سرزمینی*~ تشکیل بالای ملت- دولت در همسایگی*~ نزدیکی به مراکز اشاعهٔ ایدهٔ ملت	۱	۰.۶۲	۰.۱۱		
	تنظیم نهادی-سیاسی خارجی*~ تفاهم نمادین*~ تجانس فرهنگی*~ علقهٔ سرزمینی*~ تشکیل بالای ملت- دولت در همسایگی*~ هویت جمعی*~ نزدیکی به مراکز اشاعهٔ ایدهٔ ملت	۱	۰.۱۱	۰.۰۵		
ملت‌های اروپای شرقی	تنظیم نهادی-سیاسی داخلی*~ تنظیم نهادی-سیاسی خارجی* تفاهم نمادین* تجانس فرهنگی* علقهٔ سرزمینی*~ جنگ مدنی در همسایگی* هویت جمعی بالای* نزدیکی به مراکز اشاعهٔ ایدهٔ ملت	۱	۰.۱۷	۰.۱۷	۱	۰.۱۷
ملت‌های توسعه یافته	تنظیم نهادی-سیاسی داخلی* تفاهم نمادین* علقهٔ سرزمینی* نزدیکی به مراکز اشاعهٔ ایدهٔ ملت	۰.۸۸	۰.۶۴	۰.۰۴	۰.۸۸	۰.۷۵
	تنظیم نهادی-سیاسی داخلی* علقهٔ سرزمینی* هویت جمعی* نزدیکی به مراکز اشاعهٔ ایدهٔ ملت	۰.۸۷	۰.۶۵	۰.۰۵		
	تنظیم نهادی-سیاسی داخلی*~ تفاهم نمادین* علقهٔ سرزمینی*~ هویت جمعی*~ نزدیکی به مراکز اشاعهٔ ایدهٔ ملت	۱	۰.۰۸	۰.۰۵		

چنانکه نتایج نشان می‌دهد هر کدام از مناطق دارای مسیرهای علی مختلفی بر اساس شروط مورد بررسی در مطالعه حاضر هستند. در خاورمیانه همان‌گونه که شاخص‌های سازگاری و پوشش مسیرها نشان می‌دهد، مسیر دوم و سوم دارای اهمیت تجربی و نظری بالایی هستند. بر اساس مسیر دوم که بطور خام ۵۴ درصد از تغییرات احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی را شامل می‌شود، وجود تجانس فرهنگی داخلی و نزدیکی به مراکز اشاعه ایده ملت همراه با نبود علقه سرزمینی و نبود جنگ‌های بین دولتی بالا، احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی در ملت‌های خاورمیانه را افزایش داده‌است. همچنین، در مسیر سوم، وجود تجانس فرهنگی داخلی و علقه سرزمینی و نزدیکی به مراکز اشاعه ایده ملت، به همراه نبود وجود تنظیم نهادی - سیاسی داخلی، توانسته احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی در ملت‌های خاورمیانه را افزایش دهد. مسیر اول، فاقد شاخص سازگاری بالایی است و به طور منحصر به فرد نیز تنها یک درصد از تغییرات احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی در خاورمیانه را تبیین می‌کند. بنابراین، اساساً دارای اهمیت تجربی و نظری پایینی است. در ملت‌های آسیای مرکزی و قفقاز با توجه به شروط مؤثر در تحلیل علی منفرد و مسیر و نتیجه نهایی، می‌توان گفت که روند تشکیل اجتماع ملی در ملت‌های آسیای مرکزی از دلایلی پیروی می‌کند که در مطالعه حاضر به آن پرداخته نشده است و مطالعه حاضر (بطور کمی) قادر به ارائه تبیینی برای این ملت‌ها نیست.

در ملت‌های آسیای جنوبی، نتیجه نشان می‌دهد که وجود عاملیت خارجی یعنی استعمار در تشکیل این اجتماعات نقش ضروری داشته‌است. با ایجاد نهادهای سیاسی در این ملت‌ها به دست استعمارگران، با توجه به وجود شرایط داخلی از قبیل علقه و دلبستگی به سرزمین مادری، توانسته احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی در این ملت‌ها را افزایش دهد. هر چند با توجه به ساختار داخلی و تنوع قومی و مذهبی ملت‌های آسیای جنوبی، هویت جمعی در سطح پایینی است و همچنین شرایط پیشینی مدرنیزاسیون سطح پایینی را نشان می‌دهد. در آسیای شرقی، مطابق با شروط نهایی، مهمترین بعد مؤثر افزایش احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی در ملت‌های آسیای شرقی، وجود شرایط مناسب ساختار داخلی، به ویژه وجود شروط مقوم اجتماع ملی و وجود تنظیم نهادی سیاسی داخلی با قدمت بوده است.

چنانکه شروط مؤثر بر رخداد تشکیل اجتماع ملی در منطقه آسیای جنوب شرقی نشان می‌دهد، در این دو مسیر آنچه برجستگی خاصی دارد، عاملیت بیرونی یعنی استعمار است که سالیان طولانی در این منطقه حاکم بوده و بسیاری از نهادهای سیاسی و حتی مرزهای این ملت‌ها در زمان استعمارشان شکل یافته است. نقش ساختار و عاملیت داخلی در روند تشکیل اجتماع ملی در این منطقه بسیار کم‌رنگ است. در افریقای شمالی نیز، مطالعه حاضر قادر به یافتن مسیری برای تشکیل اجتماعات ملی در این منطقه نبوده است. در افریقای زیر صحرای وجود سابقه طولانی از استعمار (عاملیت بیرونی) با قرار گرفتن در معرض ایده‌ها و اندیشه‌های ملت (ساختار بیرونی) همراه با نبود علقه سرزمینی و جنگ‌های بین دولتی بالا، توانسته است احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی را در ملت‌های افریقای زیر صحرای افزایش دهد. بنابراین، تشکیل ملت‌ها در این منطقه از جهان بیشتر تحت تأثیر عامل‌ها و ساختارهای بیرونی بوده، تا مکانیزم‌های عاملیتی و ساختاری درونی.

در امریکای لاتین، از سه مسیر به دست آمده، مسیر دوم دارای شاخص پوشش بالاتری است و دارای اهمیت تجربی بیشتری نسبت به سایر مسیرهاست که در پوشش خام ۶۲ درصد از تغییرات متغیر نتیجه را در بر گرفته است. مسیر اول نیز، با پوشش خام ۰.۵۸ از اهمیت تجربی نسبتاً خوبی برخوردار است. مسیر سوم از اهمیت تجربی چندانی برخوردار نیست. بررسی شروط مشترک در این مسیرها نشان می‌دهد که وجود تنظیم نهادی سیاسی خارجی به منزله یک عامل خارجی در تمام ملت‌های آمریکای لاتین وجود داشته و ساخت نهادی این ملت‌ها عمدتاً تحت تأثیر سابقه استعماری آن‌ها بوده است. از نظر ساختار درونی، وجود فرهنگ متمایز و تفاهم نمادین در اکثر این ملت‌ها و دلبستگی عاطفی به سرزمین در همه این ملت‌ها وجود داشته است.

در ملت‌های اروپای شرقی همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، مسیر نهایی فاقد اهمیت تجربی بالایی است و تنها ۱۷ درصد از تغییرات متغیر نتیجه را پوشش می‌دهد. با این حال، بررسی جدول صدق و کذب نیز نشان می‌دهد که سه دسته از شروط توانسته احتمال وقوع تشکیل اجتماع ملی در ملت‌های اروپای شرقی و مرکزی را افزایش دهد: عاملیت خارجی، یعنی تنظیم نهادی سیاسی خارجی به همراه ساختار درونی نسبتاً مساعد-یعنی تفاهم نمادین و دلبستگی عاطفی به سرزمین مادری- در کنار قرار گرفتن در نزدیکی مراکز اصلی اشاعه ایده ملت (ساختار بیرونی).

از سوی دیگر، در ملت‌های توسعه یافته، چنانکه نتیجه تحلیل مسیرهای علی نشان داد، سه مسیر در نهایت وجود دارد که بر اساس آن وجود تنظیم نهادی سیاسی داخلی همراه با وجود تفاهم نمادین یا هویت جمعی، علقه سرزمینی و نزدیکی به مراکز اشاعه ایده ملت توانسته است احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی در میان ملت‌های توسعه یافته را افزایش دهد. در حقیقت، وجود این شرایط در میان این زیر نمونه از ملت‌های مورد بررسی نشان می‌دهد که وجود عاملیت داخلی یعنی دولت و ساختار داخلی مساعد، در کنار وجود اشاعه ایده ملت توانسته احتمال تشکیل اجتماع ملی در میان ملت‌های توسعه یافته را افزایش دهد. مسیر سوم، نبود تنظیم نهادی - سیاسی داخلی و نبود تفاهم نمادین و نبود هویت جمعی، در کنار وجود علقه سرزمینی و نزدیکی به مرکز اشاعه ایده ملت، باعث تشکیل اجتماع ملی شده است این‌ها نشان می‌دهد که این مسیر از شاخص پوشش بسیار پایینی برخوردار است. بررسی ملت‌های توسعه یافته نشان می‌دهد که تنها کشور کانادا دارای چنین ویژگی‌هایی است و از این مسیر توانسته موجودیت پیدا کند. بنابراین، با توجه به اهمیت تجربی مسیرهای مورد بررسی، دو مسیر اول مهمترین مسیرهایی هستند که احتمال وقوع رخداد تشکیل اجتماع ملی را در میان ملت‌های توسعه یافته تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج بررسی نشان داد که ملت‌های مورد بررسی در بازه زمانی طولانی به مرحله تشکیل اجتماع ملی رسیده‌اند که این منبعث از ساختارها و عامل‌های داخلی و بیرونی در این ملت‌هاست. بررسی شروط مؤثر در کل ملت‌ها، الگوی خاصی که از جنبه تجربی و نظری قابل تأمل باشد، از مسیرهای علی مؤثر بر روند تشکیل اجتماع ملی را نشان نداد. با توجه به اینکه در این مطالعه طیف نسبتاً وسیعی از شروط (۱۲ شرط) مورد بررسی قرار گرفت، با این حال، در تحلیل کلی ملت‌ها، مسیرهای علی توانست شرایط سازگاری و پوشش (اهمیت نظری و تجربی) قابل قبولی داشته باشد. این امر به سبب تنوع زیاد الگوهای تشکیل اجتماع ملی و مسیرهای متفاوتی بود که ملت‌های مختلف برای رسیدن به مرحله تشکیل اجتماع ملی طی کرده بودند. این امر نشان می‌دهد که نظریه و دیدگاه جامعی که بتواند روند تشکیل ملت را برای تمام جوامع تبیین نماید - حداقل بر اساس یافته‌های مطالعه

حاضر - وجود ندارد. در حقیقت، به سبب شرایط هر اجتماع و روند تاریخی آن و وزن و جایگاه شروط مختلف، هر جامعه از مسیری کم و بیش متفاوت به مرحله تشکیل اجتماع ملی رسیده است.

با بررسی ملت‌ها در قالب ۱۰ منطقه جغرافیایی و کاهش دایره شمول ملت‌ها با استفاده از این برش، الگوهای شکل‌گیری اجتماعات ملی مشخص و اهمیت تجربی و نظری شروط مورد بررسی به شدت بهبود یافت. بنابراین هر چه ملت‌ها به طور محدودتر بر اساس برش‌ها زمانی و مکانی مورد بررسی قرار گیرند، احتمال تعیین شروط مؤثر افزایش می‌یابد. بر این اساس، ملت‌هایی که در زیر نمونه‌های حاصل از این برش در یک دسته قرار گرفته‌اند، از مسیر کم و بیش یکسانی به مرحله تشکیل اجتماع ملی رسیده‌اند و هر چه این برش‌ها بیشتر و بسترهای زمانی و مکانی بیشتر کنترل شود، امکان تعیین الگوها و یافتن اشتراکات و افتراقات در نمونه‌ها و بین نمونه‌ها افزایش می‌یابد.

نتایج تحقیق نشان داد که بر اساس مناطق جغرافیایی، وزن تأثیرگذاری شروط از ساختار - عامل‌های داخلی در ملت‌های توسعه یافته، به ساختار - عامل‌های بیرونی در سایر ملت‌ها تغییر یافته است و ملت‌های در حال توسعه، بیشتر تحت تأثیر ساختار - عامل‌های بیرونی‌اند. در حقیقت، روند غالب در تشکیل اجتماع ملی در میان کشورهای در حال توسعه، استعمارزدایی و جدا شدن از ملت - دولت آغازیناست؛ دو روندی که در آن نقش عامل‌های خارجی و ساختار بیرونی بسیار مهم است. در اغلب این ملت‌ها، ساختار فعلی نه ناشی از تنظیم اجتماعی (رقابت و همکاری‌های بین گروهی) گروه‌های تشکیل دهنده اجتماع ملی، بلکه بیشتر ناشی از رقابت‌ها و ساختار استعماری قدرت‌های بزرگ بوده است. به ویژه در مورد ملت‌های افریقا، آسیای جنوب شرقی، آسیای مرکزی و آسیای جنوبی این امر صادق است که در آن‌ها ساختار و ترکیبات سازنده اجتماع ملی به وسیله عامل‌های بیرونی تعیین شده است.

بنابراین، بررسی شروط مؤثر در روند تشکیل اجتماع ملی ملت‌های در حال توسعه نشان داد که با توجه به قدرت تبیینی شروط و وزن بیشتر ساختار - عاملیت بیرونی در روند تشکیل این اجتماعات، ماهیت و کم و کیف تشکیل اجتماع ملی در این ملت‌ها، با ملت‌های اروپایی که پایه نظریات شکل‌گیری ملت را تشکیل می‌دهند، متفاوت است. نتایج

نشان داد که ملت‌های مختلف از مسیرهای کم و بیش متفاوتی به مرحله تشکیل اجتماع ملی رسیده‌اند. بنابراین، ماهیت ملت‌های ایجاد شده به منزله برابری از شرایط عاملیتی و ساختاری با یکدیگر متفاوت است؛ زیرا ماهیت عناصر ساختاری از پیش موجود و کیفیت عامل‌های موجود در هر جامعه‌ای، در روند تشکیل اجتماع ملی آن متفاوت است. البته در جوامعی که دارای اشتراکات ساختاری و شباهت‌های عملکردی عاملیتی هستند، الگوی تشکیل اجتماع ملی، می‌تواند کم و بیش مشابه باشد.

از سوی دیگر، ایده ملت در ملت‌های اروپای غربی با چالش‌های چندانی مواجه نیست؛ زیرا این ایده برخاسته از تاریخ داخلی خود آن‌هاست و روندی طولانی مدت را در جهت استقرار و تطابق با ساختارهای داخلی‌شان طی کرده است؛ و با توجه به اقتضات داخلی خود، شکل یافته است و ماهیت بعدی آن نیز با سایر عناصر اجتماعی‌شان سازگار است. اما در ملت‌های در حال توسعه، مدت این فرایند با توجه به عناصر ساختاری و عاملیتی در جوامع مختلف، متفاوت بوده است و در اکثر این ملت‌ها، در مدت کوتاه و فارغ از اقتضات ساختاری و عاملیتی‌شان صورت گرفته است. بنابراین، اجتماع ملی در این ملت‌ها با چالش‌های بیشتری مواجه است. از سوی دیگر، علی‌رغم اینکه اکثریت ملت‌های توسعه‌یافته دارای عضویت کم و بیش کامل در فضای اجتماع ملی هستند، اکثریت ملت‌های در حال توسعه دارای حداقل عضویت، در فضای اجتماع ملی هستند.

به طور کلی، در بررسی تشکیل اجتماع ملی و سایر پدیده‌های کلان اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، توسل به نظریه‌های اروپا محور نمی‌تواند نتایج دقیقی به همراه داشته باشد. هر چند با توجه به شباهت‌های موجود در جوامع مختلف، تا حدی این نظریات به روشن شدن برخی از زوایای مسأله کمک می‌کنند؛ ولی در نهایت بررسی تشکیل ملت در ملت‌های در حال توسعه، نیازمند نظریات خاص بر پایه اقتضات ساختاری و عاملیتی این ملت‌هاست.

نتایج تحقیق نشان داد که یکی از شروطی که در اکثر مسیرهای مورد بررسی حضور داشت، تنظیم نهادی - سیاسی داخلی یا تنظیم نهادی سیاسی خارجی بود. در حقیقت، وجود عاملی به نام دولت (با منشأ داخلی یا خارجی)، با ایجاد و استقرار نهاد‌های مختلف، تعیین مرزهای سیاسی و به تبع آن ایجاد مرزهای اجتماعی و فرهنگی و ایجاد یکپارچگی

مدیریتی نسبی و در نهایت ایجاد یک واحد سرزمینی، نقش مهمی در ایجاد حسی از یکی بودن در میان اعضای واحد سرزمینی دارد. در حقیقت، بر خلاف نظریات ابزارگرایانه تشکیل ملت - که تشکیل ملت را ابزاری برای تحقق برخی اهداف به وسیله رهبران سیاسی و دولت می‌دانند - در بررسی کشورهای در حال توسعه، در اغلب موارد به علت ساختار سنتی و عدم وجود اقتضائات داخلی، مانند مدرنیزاسیون، در این کشورها دولت و رهبران سیاسی در وضعیت پیش از تشکیل اجتماع ملی، سعی در باز تولید ساختار موجود به وسیله کنش سنتی داشته‌اند. در حقیقت، در این ملت‌ها به خاطر به خطر افتادن منافع و جایگاه دولت و رهبران سیاسی موجود، تشکیل ملت عمدتاً از سوی عامل‌های دیگر، به ویژه روشنفکران و جنبش‌های ملی‌گرا تعقیب شده است. با این حال وجود همین دولت به خاطر ایجاد یک واحد سرزمینی و تعیین مرزهای ملت با سایر ملت‌ها، شرطی ضروری در تشکیل اجتماع ملی است.

بنابراین، در کشورهای در حال توسعه، دولت بیشتر از آنکه آگاهانه و بر اساس نیازهای اجتماع خود، اجتماع ملی را ایجاد نماید و به عبارت دیگر، اجتماع ملی ساخته دولت و رهبران سیاسی باشد؛ بیشتر در جایگاه یک شرط ضروری در روند تشکیل اجتماع ملی محسوب می‌شود.

بررسی دقیقتر موارد در کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که دولت چه به صورت داخلی و چه با منشأ خارجی تقریباً کارکردی مشابه در روند تشکیل اجتماع داشته است. در اکثر کشورهای در حال توسعه قبل از استقلال و تشکیل آغازین، عمدتاً روشنفکران و برخی جنبش‌های ملی‌گرا در جایگاه مهم‌ترین عامل‌های اجتماعی داخلی در روند تشکیل اجتماع ملی، دارای کنش ابزاری بوده‌اند؛ در حالی که دولت در این مقطع دارای کنش سنتی بوده است. پس از تشکیل آغازین ملت - دولت، نقش دولت عوض شده و با تغییر نخبگان حاکم، دولت آغاز به ملت‌سازی از بالا برای کاهش چالش‌های ناشی از نامساعد بودن ساختار داخلی کرده است.

چنانکه نتایج نشان داد، وزن و جایگاه شروط مورد بررسی در نمونه‌های بررسی شده متفاوت است و از الگوی واحدی پیروی نمی‌کند. و نیز الگوهای مستخرج نشان داد که الگوهای مختلفی در مناطق مختلف جهان برای تشکیل اجتماع ملی وجود دارد. با این

حال، می‌توان این الگوها را بر اساس سازماندهی (عاملیت دولتی) و ساختار مساعد برای تشکیل اجتماع ملی (ساختار داخلی) به شش دسته تقسیم کرد که در هر دسته، وزن عاملیت و ساختار متفاوت است. جدول شماره ۱۲ این دسته بندی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱۲ دسته‌بندی ملت‌های مورد بررسی، بر اساس وزن ساختار و عاملیت

ساختار داخلی		وزن بیشتر ساختار داخلی		وزن کمتر ساختار داخلی	
الگوی سازماندهی سرزمینی	ساختار داخلی مساعد	ساختار داخلی نسبتاً مساعد	ساختار داخلی نامساعد	الگوی سازماندهی سرزمینی	ساختار داخلی مساعد
وزن بیشتر عامل‌ها	الگوی تداوم تاریخی داخلی	- اروپای غربی و شمالی (فرانسه، بریتانیا، آلمان، ایتالیا، سوئد، دانمارک، بریتانیا) - آسیای شرقی (چین، کره، ژاپن)	- اروپای شرقی (روسیه) (ایران، ترکیه)	الگوی تداوم تاریخی داخلی	- اروپای غربی و شمالی (فرانسه، بریتانیا، آلمان، ایتالیا، سوئد، دانمارک، بریتانیا) - آسیای شرقی (چین، کره، ژاپن)
	الگوی سازماندهی بیرونی	- افریقای شمالی (الجزایر، مصر، تونس، مراکش)	- خاورمیانه عربی (سوریه، عراق، لبنان، اردن، یمن، رژیم صهیونیستی)	الگوی سازماندهی بیرونی	- افریقای شمالی (الجزایر، مصر، تونس، مراکش)
وزن بیشتر عامل‌های بیرونی	الگوی سازماندهی بیرونی	- آمریکای لاتین (هائیتی، پاراگوئه، مکزیک، آرژانتین، شیلی، ونزوئلا، اکوادور، اروگوئه، کلمبیا، بولیوی، کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، پرو، السالوادور، برزیل، کوبا، پاناما، دمنیکن، ترینیداد، گویان)	- آسیای جنوب شرقی (فیلیپین، میانمار، اندونزی، کامبوج، لائوس، ویتنام، مالزی، سنگاپور، فیجی، گینه جدید، پاپ، تیمور شرقی)	الگوی سازماندهی بیرونی	- آمریکای لاتین (هائیتی، پاراگوئه، مکزیک، آرژانتین، شیلی، ونزوئلا، اکوادور، اروگوئه، کلمبیا، بولیوی، کاستاریکا، گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوئه، پرو، السالوادور، برزیل، کوبا، پاناما، دمنیکن، ترینیداد، گویان)
	الگوی سازماندهی بیرونی	- آسیای جنوب شرقی (فیلیپین، میانمار، اندونزی، کامبوج، لائوس، ویتنام، مالزی، سنگاپور، فیجی، گینه جدید، پاپ، تیمور شرقی)	- آسیای جنوب شرقی (فیلیپین، میانمار، اندونزی، کامبوج، لائوس، ویتنام، مالزی، سنگاپور، فیجی، گینه جدید، پاپ، تیمور شرقی)	الگوی سازماندهی بیرونی	- آسیای جنوب شرقی (فیلیپین، میانمار، اندونزی، کامبوج، لائوس، ویتنام، مالزی، سنگاپور، فیجی، گینه جدید، پاپ، تیمور شرقی)

چنانکه مشاهده می‌شود، در کشورهای در حال توسعه، وزن عامل خارجی یعنی سازماندهی بیرونی بالا است و اکثر کشورها از این طریق از نظر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سازمان یافته‌اند. همچنین، در اکثر این کشورها، ساختار داخلی برای تشکیل اجتماع ملی نامساعد یا نسبتاً مساعد است. این امر نیز به سبب سازماندهی بیرونی در این کشورهاست که اجتماع ملی عمدتاً بر مبنای ساختار بیرونی و بدون توجه به اقتضات داخلی و تبادلات بین و درون گروهی در این کشورها ایجاد شده است.

این در حالی است که در نظریات مربوط به تشکیل ملت، تأکید بر عاملیت‌ها و ساختارهای داخلی بود. چنانکه در نظریات مدرنیستی، سیاسی، قومی نمادگرا، ازلی انگاری و جاویدانگاری مشاهده شد، بجز چند نظریه پرداز مانند هکتر و نیرن، سایر نظریه پردازان بر تغییرات ساختار داخلی یا نقش عامل‌های اجتماعی به ویژه دولت و رهبران سیاسی در باز تولید ساختار اجتماعی جدید یعنی تشکیل اجتماع ملی تأکید داشتند. حتی رویکردهای فرهنگی مانند نمادگرا قومی نیز تأکید اصلی را بر عناصر فرهنگی داخلی در تشکیل اجتماعات ملی گذاشته بودند.

با این حال، نتایج تحقیق نشان داد که در اکثر ملت‌های در حال توسعه، نقش ساختار و عامل‌های بیرونی در روند تشکیل اجتماعات ملی وزن بیشتری دارد. در حقیقت، در این ملت‌ها ساختار و سازماندهی آغازین به وسیله عامل‌های خارجی صورت گرفته است و عمدتاً دارای منشأ داخلی نیست. هر چند در این روند توجه به برخی عوامل داخلی مانند هویت‌های ناحیه‌ای مد نظر قرار گرفته است، ولی عموماً این سازماندهی در جهت منافع عامل‌های خارجی بوده است. نقش عوامل داخلی در ملت‌های در حال توسعه عمدتاً با انتشار ایده‌های مربوط به ملت و در جریان مبارزات استقلال طلبانه برجسته شده است.

کتابنامه

اوز کریملی، اوموت، (۱۳۸۳). نظریه‌های های ناسیونالیسم. ترجمه محمد علی قاسمی. تهران: موسسه مطالعات راهبردی.

چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.

چلبی، مسعود (۱۳۸۸). «شاخص سازی تابع عضویت فازی، نوع شناسی و واسنجی در جامعه شناسی»، مجله

مطالعات اجتماعی (ویژه نامه روش شناسی)، شماره ۴، دوره سوم، زمستان، پیاپی ۸، ص ۲۸-۶.

- هاتچینسون، جان و آنتونی اسمیت (۱۳۸۶) ملی‌گرایی. ترجمه مصطفی یونسی و علی مرشدی زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ووياچيچ، وليکو (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی. در الکساندر ماتیل (ویراستار). دایرة‌المعارف ناسیونالیسم. ترجمه نسرين طباطبایی. تهران، کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- Anthias, F., Yuval-Davis, N., & Cain, H(1993). *Racialized boundaries: Race, nation, gender, colour and class and the anti-racist struggle*. London: Routledge.
- Atsuko Ichijo and Gordana Uzelac(2005). *When is the Nation? Towards an Understanding of Theories of Nationalism*. New York :Routledge.
- Auer, S(2004). *Liberal nationalism in Central Europe. Routledge Curzon contemporary Russia and Eastern Europe series*. London :Routledge Curzon.
- Barker, P. W(2008). *Religious Nationalism in Modern Europe If God Be For Us* (Routledge Studies in Nationalism and Ethnicity). New York :Routledge.
- Baycroft, T., & Hewitson, M(2006). *What is a nation? Europe 1789-1914*. Oxford :Oxford University Press.
- Birch, A. H(1989). *Nationalism and national integration*. London :Unwin Hyman.
- Breuilly, John. Reflections On Nationalism. In Woolf, S(editor). *Nationalism in Europe 1850 to the Present*. New York Routledge.
- Brown, D(2000). *Contemporary nationalism Civic, ethnocultural, and multicultural politics*. London :Routledge.
- Calhoun, C(2007). *Nations Matter Citizenship, Solidarity and the Cosmopolitan Dream*. New York :Routledge.
- Calhoun, Craig. (2006). Nationalism Matters. In Doyle, D. H., & Pamplona, M. A. V. (ed). *Nationalism in the New World*. Athens, Ga: University of Georgia Press.
- Conversi, Daniele(2007) Mapping the Field: Theories of Nationalism and the Ethnosymbolic Approach. In Grosby, S. E., & Leoussi, A. S(editor). *Nationalism and ethnosymbolism History, culture and ethnicity in the formation of nations*. Edinburgh Edinburgh: University Press.
- Dawa Norbu(1992). *Culture and the politics of Third World nationalism*. London Routledge.
- Frost, C(2006). *Morality and nationalism*. Abingdon, Oxon :Routledge.
- Gans, C(2003). *The Limits of Nationalism*. New York :Cambridge University Press.
- Gungwu, Wang . (2005). Contemporary and National History: A Double Challenge. In Wang, G. (ed). *Nation-building Five Southeast Asian histories*. History of nation-building series. Singapore Institute: of Southeast Asian Studies.
- Hau, Caroline S., (2005), Rethinking History And “Nation-Building” In The Philippines. In Wang, G., & Institute of Southeast Asian Studies(editor). *Nation-building: Five Southeast Asian histories*. History of nation-building series. Singapore: Institute of Southeast Asian Studies.
- Hearn, J(2006). *Rethinking Nationalism A Critical Introduction*. New York :Palgrave Macmillan.
- Hechter, M(2004). *Containing nationalism*. Oxford :Oxford Univ. Press.
- Hing, Lee Kam, (2005), Writing Malaysia’s Contemporary History. In Wang, G., & Institute

- of Southeast Asian Studies(editor).*Nation-building: Five Southeast Asian histories*. History of nation-building series. Singapore: Institute of Southeast Asian Studies.
- James, P(2006). *Globalism, nationalism, tribalism Bringing theory back in. Towards a theory of abstract community*, v. 2. London :Sage.
- Jubulis, Mark A.(2007). The persistence of the Baltic nations under Soviet rule: an ethnosymbolist critique of modernist perspectives on the breakup of the USSR. In Young, M., Zuelow, E., & Sturm, A. (2007). *Nationalism in a global era, The persistence of nations*. New York :Routledge.
- Keitner, C. I. R(2007). *The paradoxes of nationalism The French Revolution and its meaning for contemporary nation building*. SUNY series in national identities. Albany, NY State: University of New York Press.
- Lichtenberg , Judith(1999). How Liberal Can Nationalism Be?. In Beiner, R(editor). *Theorizing nationalism*. SUNY series in political theory. Albany, NY State :University of New York Press.
- Mahoney, J., & Rueschemeyer, D. (2003). *Comparative historical analysis in the social sciences*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- McCrone, D(1996). *Understanding Scotland The sociology of a stateless nation*. London: Routledge.
- Puri, J(2004). *Encountering Nationalism*. 21st-century sociology, 6. Malden, MA Blackwell.
- Ragin, Charles (2000) *Fuzzy-Set Social Sciences*, Chicago, :University of Chicago Press
- Ragin, Charles (2008). *Redesigning social inquiry Fuzzy sets and beyond*. Chicago :University of Chicago Press.
- Ragin, Charles (2003), "Recent Advances in Fuzzy-Set Methods and Their Application to Policy Questions", COMPASS Working Paper, 9, 33p.
- Sangmpam, S. N. (2007). *Comparing apples and mangoes: The overpoliticized state in developing countries*. Albany: State University of New York Press.
- Sengupta, A(2003). *The formation of the Uzbek nation-state A study in transition*. Lanham: Lexington Books.
- Smith, A. D(2008). *The cultural foundations of nations Hierarchy, covenant and republic*. Malden, MA, USA :Blackwell Pub.
- Smith, A. D(2009). *Ethno-symbolism and nationalism A cultural approach*. London: Routledge.
- Smith, Anthony D(2005). The genealogy of nations: an ethno-symbolic approach. In Atsuko Ichijo and Gordana Uzelac(editor). *When is the Nation Towards an Understanding of Theories of Nationalism*. New York :Routledge.
- Tamir, Y(1993). *Liberal nationalism. Studies in moral, political, and legal philosophy*. Princeton, N.J. :Princeton University Press.
- Tiryakian, Edward A, (2007), When Is The Nation No Longer?. In Mitchell Young, Eric Zuelow , Andreas Sturm (editor), *Nationalism In A Global Era: The Persistence Of Nations* (Nationalism And Ethnicity/ Routledge Studies In Nationalism And Ethnicity), London , New York : Routledge,
- Uzelac, Gordana And Atusko Ichijo(2005). Conclusion: so, when is the nation?. In Atsuko

- Ichijo and Gordana Uzelac(editor). *When is the Nation Towards an Understanding of Theories of Nationalism*. New York Routledge.
- Uzelac, Gordana(2002). The Morphogenesis of Nation. In Malesevic', S., & Haugaard, M(editor). *Making sense of collectivity Ethnicity, nationalism, and globalisation. Interpreting the modern world*. London :Pluto Press.
- Zuelow, Eric(2007). National identity and tourism in twentieth-century Ireland: the role of collective re-imagining. In Young, M., Zuelow, E., & Sturm, A. (2007). *Nationalism in a global era, The persistence of nations*. New York :Routledge.